

دستگاه

۲۴

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره ششم / شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
مسعود تهرانی فرجاد
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: لیلا بنی طباء خان آبادی
طراح گرافیک: مهسا قبايي
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۶۵۸۵ / ۱۵۸۷۵
تلفن ۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)
نمبر: ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيامنگار: pishdabestani@roshdmag.ir
تلفن پيامگير نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدير مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکين: ۱۱۴
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
شمارگان: ۶۲۰۰ نسخه

- یادداشت سردبیر** / مهر، زیباترین آغاز زندگی ارتباطی / ۲
آموزش / مراقبت از کودک / دکتر فرخنده مفیدی / ۴
آموزش / بازی و کارکردهای آن در رشد کودکان / زهره خداپرست / ۶
شهد کلام وحی / مفاهیم ساده سوره های کوچک قرآن کریم / مسعود تهرانی فرجاد / ۱۰
آموزش / کودکان پیش دبستانی؛ ویژگی ها و طبقه بندی ها / حسین تاران / ۱۲
آموزش / آموزش مهارت گوش نکردن به کودک! / سید غلامرضا فلسفی / ۱۶
نقد و نظر / دوره پیش دبستانی؛ پلکان یا گذرگاه؟ / مرتضی طاهری / ۱۷
آموزش / نقش مؤلفه های محیطی بر رشد همه جانبه کودکان / احمد ملکی پور / ۱۸
پیش کسوتان / وینیتاکول / دکتر فرخنده مفیدی / ۲۳
آموزش / میکروب ها و کودکان / دکتر مرجان گودرزی / ۲۴
آموزش / ترویج کتاب خوانی در مراکز پیش دبستانی؛ راهکارها و چالش ها /
سیده فریبا شجاع الساداتی، مهین سیفی / ۲۶
با مریبان / جمله سازی بدون نوشتن / سمانه جلالی / ۲۹
نقد و نظر / فیتیله عید تعطیل و مدرسه موش ها / فریبا راستگو / ۳۰
بررسی یک کتاب / کتاب جایی برای زندگی است / مهسا قبايي / ۳۴
آموزش / مشارکت مراکز پیش دبستانی و خانواده / سجاد صفری / ۳۶
با مریبان / نقاشی و شخصیت کودکان / نسرين قلمی / ۴۱
پژوهش / بررسی میزان آگاهی مدیران مدارس از اهداف آموزشی / مرزده طباطبایی / ۴۲
با مریبان / بلبل و مور / ماجده عاشورپویان / ۴۶
با مادران / مادرم، چرا...؟! / مجید نیسی / ۴۷
معرفی کتاب / زبان آموزی کودکان پیش دبستانی / مونا بافته / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسندگان یا مترجم است. مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.



مهر، زیباترین آغاز زندگی ارتباطی

او به من نگفت که چطور
زندگی کنم؛ او زندگی کرد و
من نگاه کردم و یاد گرفتم که
چگونه زندگی می کنند

سلام، هم اکنون که تابستان و روزهای گرم اما شاد را در کنار فرزندان سپری کرده اید، می توان امیدوار بود که در کنار آن ها و با آن ها و درباره آن ها بسیار دانش کسب کرده اید، همگی خسته نباشید و کوشش هایتان سال تحصیلی پرثمر و لذت بخش را به همراه داشته باشد. برای من هم فرصتی خاص فراهم شد تا تحقیقات تازه ای را درباره کودکان و خانواده ها انجام دهم و از یافته ها نیز بهره مند گردم که امیدوارم به مرور در اختیار خوانندگان عزیز مجله قرار گیرد.

در روزهای شروع سال تحصیلی که به نظر من زیباترین و خاطره انگیزترین آغاز زندگی ارتباطی، اجتماعی و خودشناسی و یادگیری برای کودکان است یادآوری زمینه های اساسی را در تربیت آنان با ارزش می دانم که در اینجا به صورت کوتاهی اشاره خواهم داشت. در تازه ترین یافته ها، پنج گام اساسی در تربیت کودکان مطرح شده است که توجه به آن ها، ضمن لذت بخش کردن روابط بزرگ ترها با کودکان، یادگیری درباره دنیای آن ها، اقتدار و احترام و شخصیت بزرگ ترها و پدران و مادران نیز حفظ خواهد کرد.

- **ارتباط نزدیک و صمیمی بودن با کودکان:** کودکان به بزرگ ترها نیاز دارند و علاقه مندند که در کنار ما باشند. به وجود آوردن فضای آرام و به دور از تنش حتی اگر هم گاهی سخت باشد لازمه زندگی کردن با کودکان است.
- **مسئول بودن:** در هر حالت بزرگ ترها باید خود را بسیار مسئول بدانند و هر لحظه به یاد داشته باشند که کودکان تا چه حد ظریف و آسیب پذیرند و رفتارهایشان به درستی هدایت شود تا درست را از نادرست تمیز دهند و ناامید نشوند.
- **منطقی بودن:** همواره باید در نظر داشته باشیم که کودکان چه کارهایی را می توانند انجام دهند و از عهده کدامین کار بر نمی آیند. بر اساس افکار بسیاری از بزرگان در عرصه تعلیم و تربیت «احترام گذاردن به تفاوت های بین انسان ها از سال های آغازین، نشان دهنده درک منطقی از آن ها می باشد.»

- **مداومت و پیوستگی در ارتباط با کودکان:** استمرار در رفتار با کودکان، کنترل درست هیجانات کودکان را آسان تر می کند. البته باید دانست که استمرار با سخت گیری و اجبار تفاوت کلی دارد.
 - **شناخت خط قرمزها:** مرزبندی ها را باید مشخص کنیم و خط قرمزها را تعیین کنیم. متأسفانه مرزشکنی های امروزی در روابط بزرگ ترها با کودکان آن ها را از پذیرش و اهمیت ها حتی در سال های پایین تر دور کرده است که خود ضربه ای بزرگ بر پیکره تعلیم و تربیت آن ها به حساب می آید.
- و اما با تغییراتی که در حوزه پیش دبستان رخ داده است حضور سرکار خانم دکتر رخساره فضلی را در مسئولیت دفتر پیش دبستان وزارت آموزش و پرورش گرامی می دارم. ضمن تبریک فراوان به ایشان و آرزوی موفقیت های روز افزون، امید فراوان دارم که رخدادهای اندیشمندانه و زیبایی برای مربیان، کودکان و تصمیمات کارآمد و اثرگذاری را با حضور ایشان شاهد باشیم.

و اما نظر به اینکه در مطلب مندرج در فصل نامه شماره ۲۳ (تابستان ۹۳) صفحه ۹، پاراگراف سوم کلمه «اساسی» به اشتباه به جای کلمه «قانون» تایپ شده است، از خوانندگان پوزش می طلبیم که ان شاء الله موجب ابهام ذهنی نشود.

و سرانجام... ماه های مهر، آبان و آذر از جمله ماه های خاطره برانگیز آموزشی، فرهنگی و تربیتی برای کودکان و خانواده ها است و در برنامه های آنان فرصت های بسیاری فراهم می شود تا کودکان در کنار مربیان آگاه و باتجربه خود از برکات مختلف بهره مند شوند.

با نگاهی به روز شمار اجرایی مراکز پیش دبستان، می توان به بزرگداشت ائمه اطهار (ع)، روزهای محرم و سوگواری امامان گرانقدر، روز کتاب و کتاب خوانی، عید سعید قربان، عید غدیر خم و روز خانواده اشاره داشت که امیدواریم مربیان عزیز با برنامه ریزی های ارزنده خود، کودکان را با اهمیت روزهای پرثمر اجتماعی و فرهنگی و مذهبی آشنا کنند و تمرین آن ها را در خانه ها تداوم بخشند.

از کلیه همکاران عزیز در شورای برنامه ریزی و هیئت تحریریه مجله نیز بی نهایت سپاس گزارم. ان شاء الله در سال جدید همچنان از تشویق ها و نقطه نظرهای ارزنده کلیه خانواده ها و خوانندگان گرامی بهره مند شویم.

سردبیر

مراقبت از کودک

بررسی عناصر برنامه‌های باکیفیت

دکتر فرخنده مفیدی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

برای کارکنان و هم برای کودکان از اهمیت برخوردار است. ۴. اندازه گروه‌ها و نسبت بین تعداد کودکان و مراقبان؛ این نسبت‌ها تعیین‌کننده مقدار زمان و توجهی است که هر مراقب کودک می‌تواند به هر یک از آن‌ها اختصاص دهد.

گفتنی است نسبت بزرگ‌سال به کودک باید کافی و متناسب با یافته‌های تحقیقی و استاندارد باشد تا زمینه مطلوبی را به‌منظور توجه و مراقبت فردی مورد نیاز و اصولی برای کودکان فراهم آورد.

انجمن ملی آموزش کودکان خردسال N.A.E.Y.C این نسبت‌ها را به‌صورت زیر برای کودکان مهدکودک‌ها، آمادگی‌ها و مراکز پیش‌دبستان و بالاتر مطرح کرده است. این نسبت‌ها از طرف «انجمن بهداشت عمومی آمریکا» و نیز «آکادمی پزشکان کودک» نیز به‌صورت استاندارد

با گسترش مراکز رشد و مراقبت از کودکان و توجه دنیا به این مهم، مسائل مهمی مطرح می‌شود که یکی از آن‌ها چگونگی تدارک و حفظ مراقبت از آنان (مطلوبیت کیفی برای همه کودکان) است. اگرچه بحث‌های زیادی درباره کیفیت و عناصر آن وجود دارد، در هر حال باید تعیین ویژگی‌های این قبیل برنامه‌ها را امری مهم بدانیم و دریابیم که مراقبت و آموزش برای کودکان و خانواده‌ها به چه عواملی در این محیط‌ها وابسته است.

گراهام هوگان و وایت و سیراکوس در سال ۲۰۰۳، بعضی از عناصر تشکیل‌دهنده کیفیت را در مراکز مراقبت از کودکان از تولد تا سه‌سالگی مشخص کرده‌اند. شاخص‌های برتر در این رابطه چگونگی ارتباط، تداوم و مراقبت و پاسخ‌گویی مراقبان و مربیان شناخته شده‌اند که هر چه برنامه‌های مراقبت کودک غنی‌تر و مطلوب‌تر باشند، این برنامه‌ها نیز استمرار و تداوم دارند، می‌توانند انتظارات جامعه و والدین را برآورده کنند و پاسخ‌گوی نیازهای کودک در ابعاد گوناگون نیز باشند.

کلیدواژه‌ها: مراکز مراقبت، برنامه‌های مراقبت

۳. از آنجا که یادگیری فرایندی تعاملی است، فرصت برای پژوهش و تعامل یکی از عناصر مهم تشخیص داده شده که هم

در بعضی کشورها، برای طبقه‌بندی و درجه‌بندی برنامه‌های جاری و نیز میزان خدمات کیفی به کودکان و خانواده‌ها، ده عنصر به شرح زیر را مناسب می‌دانند و از آن‌ها در ارزش‌یابی کیفیت مراکز استفاده می‌کنند.

۱. داشتن مجوز اطمینان‌بخشی که نشان دهد مراکز مراقبت از کودک شرایط اساسی بهداشت و ایمنی را رعایت می‌کنند.

۲. میزان شرکت کارکنان و مربیان در آموزش‌های جاری ضمن خدمت در رشته مراقبت و آموزش کودکان؛ به همین دلیل یکی از قوی‌ترین نشانه‌های آموزش و پرورش مستمر در یک مرکز آموزشی و تربیتی کودکان، چگونگی حضور کارکنان در این قبیل برنامه‌هاست.

به جدول نسبت‌های مراقبت از کودک و اندازه گروه در زیر نگاه کنید

سن کودکان	حداکثر نسبت کودک به بزرگسال	حداکثر اندازه گروه
تولد تا ۱۲ ماهگی	۱:۳	۶
۱۳ تا ۳۰ ماهگی	۱:۴	۸
۳۱ تا ۳۵ ماهگی	۱:۵	۱۰
۳ ساله‌ها	۱:۷	۱۴
۴ ساله‌ها	۱:۸	۱۶
۵ ساله‌ها	۱:۸	۱۶
۶-۸ ساله‌ها	۱:۱۰	۲۰
۹-۱۲ ساله‌ها	۱:۱۲	۲۴

منبع: براساس استانداردهای انجمن بهداشت عمومی و آکادمی پزشکان کودک

مطرح شده مورد تأیید قرار گرفته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهند که وقتی برنامه‌های مختلف این توصیه‌ها را در مورد نسبت‌های کودک به کارکنان رعایت کنند، کودکان در این مکان‌ها عملکرد بهتر و موفقیت‌های بیشتری خواهند داشت و به‌خصوص، از سطح سلامت جسمی، روحی و عاطفی بالاتری نیز برخوردار خواهند شد.

همچنین تحلیل داده‌های پژوهشی در این باره نشان داده است که کیفیت پایین مراقبت از کودکان بدون توجه به اینکه در مراکز مراقبت، در خانه و یا تحت مراقبت افراد دیگری غیر از مادر و پدر باشند، بازدهی ضعیف کودکان در آزمون‌های مهارت‌های زبانی از نظر ابرازی و ادراکی

و نیز آمادگی‌های ضعیف تحصیلی ارتباط تنگاتنگی دارد اما با رفتار اجتماعی کودکان چندان مرتبط نیست.

۵. روابط مثبت بین مراقبان و کودکان؛ این نوع رابطه سازنده در کیفیت بخشیدن به مراقبت از کودکان امری حیاتی است.

۶. مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مربی و مراقبان کودکان؛ یک مربی فعال از این منظر می‌تواند به موقع علائم و نشانه‌هایی را در هر کودک دریابد، به موقع مداخله و او را هدایت کند و آموزش دهد و یا مشکلاتش را رفع نماید.

۷. تعامل خوب بین مراقبان و کودک؛ روند سوادآموزی و تربیت کودک از این مجرا آغاز می‌شود.

۸. گسترش و تعمیم دانش؛ یادگیری

در باره کودکان فعالیت‌ها، موضوعات و فرصت‌هایی را برای گسترش و تعمیم فراهم می‌آورد.

۹. باارزش دانستن فرهنگ و عقاید خانواده‌ها؛ برنامه‌های باکیفیت عالی با فعالیت‌هایی همراه‌اند که منعکس‌کننده ارزش‌ها، عقاید خانواده‌ها و فرهنگ جامعه آنان است.

۱۰. مراکز مراقبت با کیفیت بالا (-high quality) نقش محیطی حامی و پشتیبان را برای هر کودک ایفا می‌کنند. البته این نقش حمایت‌کننده، خانواده‌های کودکان رانیز دربرمی‌گیرد.

منبع

● George and Pearson Morrison, Early Childhood Education today, 2009



بازی

و کارکردهای آن در رشد کودکان

زهره خداپرست
کارشناس ارشد روان‌شناسی

مقدمه

از گذشته‌های دور نسبت به بازی نگرش‌های مثبت و منفی وجود داشته است. عده‌ای بازی را صرف بی‌هدف انرژی‌های انباشته شده، لذت آنی و رفتارهای زائد و بیهوده تلقی کرده‌اند؛ در حالی که، برخی آن را زیباترین و پاک‌ترین فعالیت در جهت شکوفایی و رشد کودک می‌دانند. (احمدوند، ۱۳۷۲) بازی یکی از نیازهای اساسی کودکان و مهم‌ترین فعالیت او به‌شمار می‌رود که در عین سرگرم‌کننده بودن کارکردهای مهم دیگری نیز دارد. هر یک از این کارکردها به جنبه‌ای از زندگی کودک مربوط می‌شود و او را برای ورود به زندگی بزرگسالی آماده می‌سازد. (محمد اسماعیل، ۱۳۸۲) بازی انعکاس فعالیت‌های درونی کودک و میل به خوشی، آزادی و رضایت اوست که صفا و آرامش را برایش به ارمغان می‌آورد. روان‌شناسان معتقدند کودک در فعالیت‌های خودجوش باید آزاد گذاشته شود. در جریان بازی نیروهای ذهنی و جسمی کودک همراه با دقت، تخیل، نظم و ترتیب و چالاکی رشد می‌یابند. علاوه بر این، بازی محرک و انگیزه‌ای است که در جهت کسب تجارب اجتماعی از آن استفاده می‌شود. کودک از راه بازی می‌تواند به استعدادها، توانایی‌ها، خواست‌ها، ضعف‌ها و نکات مثبت و منفی خود پی ببرد و با شناخت ویژگی‌های خود، ساخت شخصیت خویش را تحکیم بخشد. (نجاتی، ۱۳۷۲)

مهارت‌های اجتماعی مفیدی به‌دست آورند و رویکردهای جدید و کارآمد حل مسئله را آزمایش کنند. (هیوز، ۱۳۸۷) کودکان از طریق بازی ارتباط برقرار می‌کنند. مشکلات کودکان در جریان رشد اغلب با عدم توانایی بزرگسالان برای درک آن‌ها توأم است. اکثر بزرگسالان از کودکان انتظار دارند که با آن‌ها از همان طریق که خود راحت‌ترند، ارتباط برقرار کنند؛ یعنی ارتباط کلامی. آن‌ها به جای اینکه با کودک، کودکانه رفتار کنند، از او انتظار دارند که رفتار خود را تا حد یک بزرگسال برساند. (آذر، ۱۳۷۳) کودکان سعی می‌کنند خود را بفهمانند؛ هر چند که اغلب از طریق کلامی موفق نیستند. میان آنچه از زبان کودکان فهمیده می‌شود و آنچه کودکان بیان می‌کنند، تفاوت وجود دارد. کودکان معمولاً فراتر از آنچه بیان

بازی وسیله‌ای برای بیان احساسات، برقراری ارتباط، توصیف تجربیات، آشکار کردن آرزوها و خودشکوفایی است. فعالیت بازی در واقع تلاش کودک برای کنار آمدن با محیط است که از این طریق او خود را درمی‌یابد و دنیا را درک می‌کند (لندرت^۱، ۱۳۸۱) بازی به کودکان اجازه می‌دهد هنگامی که سایر شکل‌های بیان کردن ناممکن‌اند، به بیان خود بپردازند. بازی فرصت بی‌همتایی برای بزرگسالان فراهم می‌کند تا دنیا را از دیدگاه کودک درک کنند و از آنجا که برای کودکان فعالیت بی‌ساز و لذت‌بخش است، آنان را ترغیب می‌کند تا آرام باشند، حالت دفاعی خود را، که ممکن است داشته باشند، کاهش دهند و احساساتشان را بی‌پرده بیان کنند. بازی همچنین به آن‌ها کمک می‌کند تا

کلیدواژه‌ها: بازی، رشد اجتماعی، خلاقیت

بازی به‌عنوان فرایندی چندبعدی، به‌نحوی قابل توجه، در خدمت تکامل و رشد کودک است و می‌تواند راهی برای تخلیه انرژی‌ها در سیر مورد نظر باشد. **کارل گروس** از صاحب‌نظران قرن نوزدهم، اعتقاد دارد بازی عاملی است برای رشد نیروهای خام و آماده‌سازی آن‌ها برای استفاده در زندگی. بازی فرایند یادگیری را برای کودک، این انسان کوچک، لذت‌بخش می‌کند و همچنین به ارضای بسیاری از نیازهای اساسی و زیربنایی او منجر می‌شود. اهمیت بازی در مباحث روان‌شناسی رشد تا حدی است که صاحب‌نظران آن را «تفکر کودک» نامیده‌اند. (شیاسی، ۱۳۸۷)



کرده‌اند، بیان دارند (هیوز^۲، ۱۹۹۹؛ به نقل از گنجی، ۱۳۸۷).

نقش بازی در رشد اجتماعی کودک

خود را بهتر کشف می‌کنند. آن‌ها از طریق بازی کردن نقش‌های متنوع بزرگسالان، مقررات اجتماعی و معیارهایی که رفتار بازیگر را تنظیم می‌کند، می‌آموزند. بازیگر باید یاد بگیرد که به قواعد بازی، حتی زمانی که انگیزه‌های آنی او را به سوی یک رفتار کاملاً متفاوت سوق می‌دهد، پایبند باشد. علاوه بر این، کودک در حین بازی خود را در موقعیت‌های اضطراب‌آور و ترسناک قرار می‌دهد و با همراهی عروسک به جست‌وجوی راه‌حل می‌پردازد و از این طریق تسلط خود را بر موقعیت‌ها افزایش می‌دهد. کودکی که از مراجعه به دکتر هراس دارد، با همکاری عروسکش نقش‌های بیمار و پزشک را بازی می‌کند و از این طریق تسلط خود را در موقعیت‌هایی که احتمالاً پیش خواهد آمد مجسم می‌کند و تا حدی بر نگرانی و ترسش فائق می‌آید. همچنین بازی ممکن است معانی خاص و مهمی برای برخی از کودکان داشته باشد و تمایلات گوناگون آن‌ها را به صورت نمادین ارضا کند اما

از بعد رشد اجتماعی، تعامل در بازی با دیگر کودکان، کودک را قادر می‌سازد تا تصورش را از خود و دیگران به صورت عام رشد دهد. کودکی که بازی می‌کند نقش خود را به طور مرتب تغییر می‌دهد و مجبور می‌شود چشم‌انداز خود را نیز متفاوت سازد. در بازی‌های گروهی، که مقررات و قواعد دارند، بازیکن باید نقش دیگر بازیکنان را بداند و همچنین توانایی «بر عهده گرفتن نقش دیگران» را در خود رشد و توسعه دهد تا از طریق پیش‌بینی آنچه در آینده اتفاق می‌افتد، بتواند رفتار خود را با آن سازگار کند. کودک شروع به ارزیابی توانایی‌های خود در مقابل دیگران می‌کند و هویت یا تصور از خود را بهبود می‌بخشد. (قزوینی‌نژاد، ۱۳۸۵) کودکانی که با دیگر بچه‌ها بازی می‌کنند، هویت

می‌دارند، درک می‌کنند. اکثر بزرگسالان قادرند احساسات (درماندگی، اضطراب و...) و مشکلات شخصی خود را در قالب کلام اظهار دارند؛ در حالی که، محدود کردن کودکان به بیان خود از طریق کلامی در ارتباطی که باید بین کودک و مشاور به وجود آید، محدودیت‌های غیر لازم و غیرواقعی را ایجاد می‌کند. به ویژه اگر این ارتباط یک تجربه درمانی باشد. بازی برای کودکان مساوی است با صحبت با بزرگسالان. کودکان در صورتی که فرصت یابند، احساسات و نیازهای خود را از طریق بازی، به همان صورت و روشی که مشابه روش بزرگسالان است، بیان می‌دارند. پویایی بیان مسئله و وسیله ارتباط در مورد کودکان متفاوت است. اما بیان کودکان در مواردی نظیر ترس، عصبانیت، شادمانی، ناکامی شبیه بزرگسالان است. انواع بازی‌ها در نقش کلمات کودکان هستند و بازی‌های مختلف می‌توانند برای کودکان فرصتی فراهم آورند تا احساسات و مشکلات خود را همان گونه که تجربه



بازی ابزاری برای تجربه پیدا کردن

بازی راهی برای تجربه کردن هستی توسط ادراک است و کودک از این راه خود را انسانی آزاد، مستقل و توانمند می‌یابد. در واقع، کودک از راه بازی آنچه را کسی نمی‌تواند به او بیاموزد، یاد می‌گیرد.

بازی و رشد ذهنی

بازی امکان تجربه و تعامل‌های مستقیم با عوامل محیطی را برای کودک فراهم می‌کند. بازی نه تنها بر رفتارهای هوشمندانه و قابل مشاهده کودک اثر دارد بلکه بر ساخت فیزیولوژیکی مغز او نیز تأثیری انکارناپذیر می‌گذارد. برای مثال، موش‌هایی که در معرض محرک‌های محیطی قرار گرفته بودند از نظر مواد شیمیایی فعال‌کننده یا کندکننده در محل اتصال دو عصب غنی‌تر بودند. «البور»^۲ در سال ۱۹۵۸ ضمن مطالعاتی که روی کودکان عقب‌مانده ذهنی در انگلستان انجام داد، آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد. «گروه آزمایشی» او به آموختن مفاهیمی از طریق بازی، که روزانه چند ساعت انجام می‌گرفت، مشغول شدند و «گروه کنترل» صرفاً به آموزشی سنتی یعنی مطالعه در طول روز پرداختند. نتایج به‌دست آمده نشان دادند که کودکان گروه آزمایشی در انجام دادن تکالیف خود موفق‌تر از گروه کنترل بودند و در آزمون‌های گوناگون،

فراهم می‌آورد و بالطبع، او را در به‌کارگیری اعضایش صاحب تجربه می‌کند.

تقویت اعتماد به نفس

عروسک هم صحبت و مخاطبی است که پیوسته همراه کودک است و هر زمان کودک اراده کند مورد مصاحبت او قرار می‌گیرد. مخاطبی که هیچ‌گاه از صحبت کودک خسته نمی‌شود، چشم‌هایش پیوسته باز است و حواسش پرت نمی‌شود، هنگام صحبت کردن کودک خمیازه نمی‌کشد یا راه آشپزخانه را در پیش نمی‌گیرد و یا حتی به او گوشزد نمی‌کند که گرفتار است. حرف‌های تکراری کودک را گوش می‌دهد، هرگز وسط حرف‌هایش نمی‌دود، در حین صحبت اشکالات تلفظی‌اش را اصلاح نمی‌کند و یا برای روند کند صحبت او بی‌تحمل نیست. با توجه به موارد ذکر شده این نکته قابل توجه است که ارتباط کودک با عروسک یک رابطه ساده و بی‌ارزش نیست که برخی والدین تنها برای پرکردن اوقات فراغت از آن استفاده می‌کنند. این ارتباط مبانی اساسی ارتباط عمیق و گسترده روانی - اجتماعی کودکان را در دوره‌های بعدی رشد و تکامل شخصیت آن‌ها پی‌ریزی می‌کند و باعث می‌شود آن‌ها در آینده بتوانند با قدرت تحلیل بهتر و تجارب مثبت‌تری به روابط خود با دیگران در جامعه ادامه بدهند.

مطمئناً نمی‌تواند برای همه بازیکنان همان مفهوم خاص را داشته باشد. بازی به‌خصوص با عروسک، علاوه بر موارد ذکر شده قبل می‌تواند در رشد شخصیت کودک تأثیرات بسزای دیگری نیز داشته باشد.

رشد خلاقیت‌ها

کودک در نقش‌هایی که تمرین می‌کند، تجدیدنظر می‌نماید و قسمت‌های جدید را جایگزین قسمت‌های قبل می‌کند. از این طریق تجارب خود را با ادراکات و شناخت‌های جدیدش تلفیق می‌کند. این بازی‌ها و ترکیب‌ها به رشد قدرت آفرینندگی و خلاقیت او کمک می‌کنند.

کمک به درک تشخیص کودک

او در حین بازی با عروسک مهارت‌هایی را برای ایجاد ارتباط با دیگران به‌دست می‌آورد. توقعات دیگران از خود را در حین عروسک بازی ارزیابی و آرزوهای خود را نیز ابراز می‌کند. این راهی برای شناخت او از زندگی و مسائل آن است.

ایجاد ظرفیت در مهارت‌های حرکتی

کودک در حین بازی عروسکش را بغل می‌کند، به گردش می‌برد، به او غذا می‌دهد. این اعمال فرصت تمرین و تکرار حرکات فیزیکی را برای کودک

نمره هوش بهتری به دست آوردند. (موثقی، ۱۳۸۰)

کودکان مفاهیم عمده‌ای را که ساخت ذهنی انسان را شکل می‌دهد از طریق بازی درمی‌یابند. آشنایی او با مفاهیم پایه همچون فضا، کمیت، ساخت، شکل و غیره صرفاً از طریق بازی حاصل می‌شود. جالب آنکه بازی خود یکی از بهترین راه‌های مطالعه چگونگی رشد فرایندهای ذهنی کودک است. چنانچه «پیاز» ضمن مشاهده بازی کودکان خود موفق به کشف قوانین رشد ذهنی شد. (مهجور، ۱۳۷۲)

هوفمان^۴ (۱۳۹۰) عقیده دارد بازی‌های تخیلی در سنین کودکی نقش برجسته‌ای در افزایش نیروی سازندگی و زندگی عاطفی کودکان ایفا می‌کنند. کودک در سنین اولیه زندگی علاقه زیادی به تغییر و دست‌کاری اشیاء دارد. این تمایل باعث می‌شود که او اسباب‌بازی‌های خود را از یکدیگر جدا سازد و دوباره با سر هم کردن آن‌ها طرحی جدید پدید آورد و آن‌گاه به افسانه‌پردازی و داستان‌سرایی در مورد ساخته خود متوسل شود. تمامی این موارد باعث پرورش نیروی تخیل کودک می‌شود و قدرت ابتکار و هوش او را افزایش می‌دهد. (موثقی، ۱۳۸۰)

آشنایی کودک با خود نیز از طریق بازی انجام می‌گیرد و بازی کامل‌ترین مجموعه تجربه‌های حسی و حرکتی را در اختیار او قرار می‌دهد. در سال ۱۹۳۲ **وان‌الستاین^۵** میانگین میدان توجه هفت دقیقه‌ای دو ساله‌ها را به دست آورد. این میانگین نشان می‌داد که میدان توجه یکی از کشش‌های بلوغ است اما در مطالعات بعدی؛ میدان توجه کودکان به جای بازی با یک اسباب‌بازی ساده، مدت زیادتری با اسباب‌بازی‌های مشخص و تقریباً پیچیده اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد که میدان توجه بیش از آنکه به سن مربوط باشد یکی از کنش‌های نوع اسباب‌بازی است. اگر تکالیف تعیین شده به اندازه کافی جذاب باشند، حتی کودکان خردسال هم دارای میدان توجه وسیعی هستند. (مهجور، ۱۳۷۲)

نقش درمانی بازی

بازی ابزاری طبیعی است که کودکان از طریق آن می‌توانند خودشان را بیان کنند. بازی موجب برانگیخته شدن افکار و کسب تجربیات و نتایج زیاد می‌شود. در مواردی نیز می‌تواند نقش درمانی داشته باشد. بازی درمانی یکی از رایج‌ترین شیوه‌هایی است که اغلب روان‌شناسان بالینی، روان‌تحلیلگران و مشاوران برای درمان مشکلات عاطفی کودکان به کار می‌برند. کودکی که موقعیت مصاحبه رسمی ممکن است برایش تجربه‌ای ناراحت کننده باشد، هنگامی که وسیله بازی آشنایی را می‌بیند، احساس راحتی بیشتر می‌کند. بازی در درمان کودکان وسیله و ابزار ارتباطی است که با کلمات، یعنی وسیله ارتباط بزرگسالان، قابل مقایسه است. انواع بازی‌ها و اسباب‌بازی‌ها کلمات کودکان هستند و اگر به دقت انتخاب شوند، می‌توانند برای کودکان فرصتی فراهم آورند تا احساسات و مشکلات خود را همان‌گونه که تجربه کرده‌اند، بیان دارند. (تیموری، ۱۳۸۶) بازی برای کودک یک زبان است. بزرگسالان توسط زبان کلامی ارتباط برقرار کرده و از آن استفاده می‌کنند. بازی درمانی به کودک این اجازه را می‌دهد تا از طریق آن به بیان احساسات، مشکلات و استرس‌های خود بپردازد و در نتیجه بر مشکلات خود فائق آید.



بازی وسیله‌ای است که کودک از طریق آن، تجارب آسیب‌رسان را کنترل می‌کند و مهارت می‌یابد. برای مثال، کودکی که مدتی بیمار و یا در بیمارستان بستری بوده است، فعالیت‌هایی مثل تزریق آمپول به عروسک یا دوستانش را نشان می‌دهد یا کودکانی که درگیر جنگ، زلزله و مشکلات خانوادگی مثل طلاق یا مرگ هستند، در بازی‌هایشان طوری برخورد می‌کنند که می‌خواهند از آن استرس و فشار رهایی یابند. متخصصان کودک در مطالعات انجام شده متوجه این موضوع شده‌اند

که از طریق بازی می‌توان بر احساسات منفی و فشارها در کودک با برون‌ریزی این احساسات غلبه کرد. اهمیت بازی برای کودک تا آنجاست که می‌تواند وی را بزرگسالی بهنجار یا نابهنجار سازد. برای کودکانی که قادر به بیان مشکلات و ناراحتی‌هایشان از طریق گفت‌وگو نیستند، بازی می‌تواند بهترین عامل برای شناخت و درمان اختلالات آنان باشد. بازی درمانی یکی از خدمات انسانی است که می‌تواند یک نسل را از مشکلات روانی، اجتماعی و خانوادگی نجات بخشد و فرزندان سالمی را به جامعه تحویل دهد. کودکان بسیار خردسال برای آنک به سلامت بزرگ شوند، لازم نیست خواندن و نوشتن را بلد باشند اما قطعاً نیاز دارند بدانند که چگونه بازی کنند.

فرد راجرز

پی‌نوشت‌ها

1. Landreth
2. Hughes
3. Oliver
4. Hoffman
5. Van Alstyne

منابع

۱. احمدوند، محمدعلی؛ روان‌شناسی بازی، انتشارات پیام‌نور، ج اول، تهران، ۱۳۷۲.
۲. آذر، رسول؛ ارزش، اهمیت و نقش بازی‌های سنتی در یادگیری همراه با ۵۵ نوع بازی سنتی، احرار، تبریز، ۱۳۷۳.
۳. تیموری، زهرا؛ بررسی تأثیر اسباب‌بازی‌های آموزشی بر میزان یادگیری مفاهیم پیش از عدد در کودکان پیش از دبستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶.
۴. شیاوسی، ل؛ «جایگاه بازی در آموزش مهارت‌ها و درمان اختلالات رفتاری در کودکان»، مجله آموزش و پرورش کودکان، شماره ۱۱۹، ۲-۱۰۹، ۱۳۸۷.
۵. فروزینی‌نژاد، حمیرا؛ کلیات بازی درمانی، آییژ، تهران، ۱۳۸۵.
۶. لندرت، گ؛ بازی درمانی «دینامیسم مشاوره با کودکان»، مترجم آرین، خدیجه، اطلاعات (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۳۷)، تهران، ۱۳۸۱.
۷. محمد اسماعیل، الهه؛ بازی درمانی؛ نظریه‌ها، روش‌ها و کاربردهای بالینی، دانه، تهران، ۱۳۸۲.
۸. موثقی، هاید؛ روان‌شناسی بازی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد کرج)، ج اول، کرج، ۱۳۸۰.
۹. مهجور، سیامک رضا؛ روان‌شناسی بازی، راهگشا، ج دوم، شیراز، ۱۳۷۲.
۱۰. هیوز، فرگاس؛ پ؛ روان‌شناسی بازی (کودکان، بازی و رشد)، مترجم: گنجی، کامران، رشد، ج دوم، تهران، ۱۳۸۷.
۱۱. نجانی، حسین؛ روان‌شناسی کودک (حرکت، تلاش، تکاپو)، فراروان، ج اول، تهران، ۱۳۷۲.



مفاهیم ساده

سوره‌های کوچک قرآن کریم

مسعود تهرانی فرجاد

اشاره

با توجه به اهمیت و ضرورت درهم‌تنیدگی آموزش‌ها در دوره پیش‌دبستان، لازم است محتوای آموزشی و فعالیت‌های قرآنی تلفیقی از قلمروهایی اعم از آموزه‌های قرآنی، سوره‌ها، داستان‌ها، آشنایی با قرآن و... در زیر چتر رویکرد «انس با قرآن و علاقه به یادگیری آن» باشد؛ به این معنا که برای ایجاد آشنایی و علاقه به قرآن کریم بوده و از هرگونه الزام و اجبار پنهان و آشکار برای عموم کودکان به دور باشد. بر این اساس، در انتخاب و سازماندهی محتوا همواره دستیابی یک یک نواآموزان در علاقه‌مندیشان به قرآن مورد تأکید است. یکی از قلمروهایی که در فرایند انس با قرآن در دوره پیش‌دبستان باید در نظر باشد، «آشنایی با سوره‌ها» از طریق مفاهیمی ساده، قابل فهم، کاربردی، اولویت‌دار و همچنین حفظ آن است. به همین منظور، در این نوشتار با ارائه چند نمونه به تبیین موضوع حدود و ثغور آشنایی با سوره‌ها خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: انس با قرآن، سوره، حفظ قرآن، تلفیق قلمروها، فعالیت‌های جذاب و مؤثر

از دیرباز کودکان مسلمان، آشنایی و ارتباط خود با قرآن را از طریق حفظ سوره‌های کوتاه یا آیات مشهور و خاصی از قرآن کریم آغاز می‌کردند.

در کشور ما نیز این سنت حسنه همیشه وجود داشته است و هر جا که این برنامه با ملاحظات علمی و تجربی و پرهیز از افراط یا تفریط، و به‌ویژه در قالب تلفیقی از شنیدن و همخوانی همراه با فهم انجام شده، توفیقات ارزشمند و ماندگاری مبنی بر انس با قرآن کریم ایجاد نموده است. برای تحقق هر چه بیشتر این امر (آشنایی با سوره‌ها) لازم است مربیان و دست‌اندرکاران تولید محتوا بر فهم در حد کودکان توجه کنند. ولی این فهم باید با شاخص موضوعات ضروری، کاربردی و ملموس برای کودکان همراه باشد. در غیر این صورت، می‌توان کل قرآن و یا تعداد زیادی از سوره‌های قرآن را در برنامه و فعالیت‌های قرآنی گنجانده. اما آنچه همه صاحب‌نظران و مربیان مجرب در حوزه تربیت دینی و انس با قرآن بر آن تأکید دارند، توجه به کیفیت ارتباط و علاقه کودک به قرآن به نسبت کمیت آن است. بر این مبنا به جای تأکید بر ترجمه آیه به آیه سوره‌ها به بیان مطالب و مفاهیمی در چارچوب سوره اهتمام می‌شود.

از سوی دیگر، در برنامه انس با قرآن کریم در دوره پیش‌دبستان به تلفیق متوازن قلمروها از جمله تلفیق دو قلمرو علاقه به حفظ سوره‌های کوتاه و شناخت کلی از قرآن کریم اشاره شده است. در این تلفیق ضمن حفظ برخی از سوره‌ها، شناخت کلی و آشنایی با مفهوم کلی یعنی بیان مفاهیمی مطابق با درک و فهم کودک ۵-۶ ساله در نظر است.

معیار انتخاب سوره‌ها با تأکید بر کیفیت و اثربخشی آشنایی و حفظ آن‌هاست، که در برنامه مصوب دوره پیش‌دبستان به آن تصریح شده است. در اینجا به برخی از معیارها اشاره می‌کنیم. (برگرفته از کتاب راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستان - انتشارات مدرسه - ۱۳۸۷)

۱. سوره‌های منتخب، مشهور و از نظر تلفظ ساده، روان و کوتاه باشند.
۲. سوره‌های منتخب تا حد ممکن دارای پیام قابل فهم برای کودک باشند؛ هر چند به صورت درک ساده و اولیه، تا عموم کودکان با آموخته‌های خود ارتباط مناسب و ماندگار برقرار کنند.
۳. موضوعات و مضامین، کاربردی، قابل فهم و عینی و دارای واژگان ساده و زبان مناسب برای کودکان باشند.

اکنون به بیان مفاهیمی درباره چند سوره کوتاه که با معیارهای فوق انتخاب شده‌اند، می‌پردازیم.

سوره توحید

- هیچ‌کس مثل خدا نیست و ما در کارهایمان از او کمک می‌خواهیم.
- ما کارهایمان را با نام خدا شروع می‌کنیم.

- یکی از سوره‌هایی که در نماز می‌خوانند، سوره توحید است.

سوره کوثر

- خدای مهربان به پیامبر عزیز ما گفته است: ما به تو یک دختر خیلی خوب دادیم. پس به خاطر این شکر کن و به فقرا کمک کن.
- تأکید بر نیکی به والدین، معرفی کردن حضرت زهرا(س) به عنوان فرزند خوب.
- تأکید بر فرزند خوب بودن برای پدر و مادر؛ مانند حضرت زهرا(س).
- این سوره درباره حضرت زهرا(س) دختر خوب پیامبرمان، حضرت محمد(ص)، است.

- نام این سوره کوثر است. کوثر یعنی «خوبی‌های زیاد» و یکی از نام‌های حضرت زهرا(س) است.

سوره ناس

- خدای مهربان، به من کمک کن تا به حرف‌های شیطان و آدم‌های بد گوش نکنم و به حرف‌های تو گوش کنم.
- شیطان ما را گول می‌زند. (در اینجا می‌توان به نمونه‌هایی از طریق کودکان پرداخته شود)
- ما نباید به حرف شیطان گوش کنیم.
- سوره ناس آخرین سوره قرآن است.

سوره عصر

- آدم‌های خوب و باایمان به حرف‌های خدا گوش می‌کنند.
- آدم‌های خوب همیشه کارهای خوب می‌کنند و به دوستان خود می‌گویند کار خوب انجام دهند.
- تأکید بر عمل صالح (کار خوب انجام دادن).

سوره حمد

- خدا از همه مهربان‌تر است.
- خدا به ما نعمت‌های زیادی داده است و به خاطر همین از او تشکر می‌کنیم و همیشه به حرف‌هایش گوش می‌کنیم.
- از خدا می‌خواهیم که ما را در انجام کارهای خوب موفق کند.
- سوره حمد اولین سوره قرآن است و همه آن را در نماز می‌خوانند.

چند نکته مهم

● مفاهیم فوق درباره سوره‌ها هر چند برای ارائه به کودک خوب و مناسب‌اند اما نباید به‌طور مستقیم و در قالب سخنرانی و صرفاً انتقال عبارت و مطالب باشد. مربی مجرب و مسلط پیش‌دبستانی می‌داند که این مفاهیم باید در قالب فعالیت‌های یاددهی - یادگیری مانند شعر، قصه، بحث و گفت‌وگو و بازی ارائه شوند. در

واقع، مفاهیم یاد شده باید درون‌مایه این فعالیت‌ها باشند.

● در فرایند فعالیت‌ها برای ارتباط و آشنایی ملموس‌تر با قرآن خوب است قرآن کامل در دسترس مربی و کودکان باشد. مثلاً در معرفی سوره ناس و حمد خوب است قرآن را باز کنیم و این دو سوره را به کودکان نشان دهیم.

● در بیان مفاهیم به بیش از آنچه گفته شده است نپردازیم؛ در غیر این صورت به کمیت مطالب توجه شده است.

سخن آخر

برخی گروه‌ها و نویسندگان در بیان مفاهیم سوره‌ها در مواردی سعی کرده‌اند همه آیات یک سوره یا تمام جزء سی‌ام را بدون در نظر داشتن معیارها، اولویت‌ها و اثربخش بودن به کودکان آموزش دهند. سؤال مهم این است که این امر چقدر ضرورت دارد؟ امید است با دقتی بیشتر از گذشته به معیارهای اصولی، توجه شود که کودکانمان بیش از هر هدف و نگرشی با قرآن مانوس و به آن علاقه‌مند شوند.



کودکان پیش دبستانی؛ ویژگی‌ها و طبقه‌بندی‌ها

حسین تاران

کارشناس ارشد رشته علوم تربیتی، گرایش آموزش و پرورش پیش دبستانی

اشاره

هر نوع فعالیتی که مخاطب آن انسان باشد، آن‌گاه به بار خواهد نشست که این گروه مخاطب واقع بینانه شناخته شود. ما باور داریم که کودکان باین مایه‌های غریزی متفاوتی متولد می‌شوند ولی در عین حال ویژگی‌های مشترکی هم دارند که آشنایی با آن‌ها شناخت ابعادی از وجود آنان را ممکن می‌سازد. در کنار این مشترکات عوامل گوناگونی مثل محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به گونه‌ای بر آنان اثر می‌گذارد و از آن‌ها موجوداتی منحصر به فرد می‌سازد. این امر شناخت ایشان را دشوارتر می‌کند و تلاش برای دستیابی به این شناخت را به امری دائمی بدل می‌سازد.

هر کودک موجود منحصر به فردی است که با تولد او گویی همه چیز از نو آفریده می‌شود و مرزهای کمال یافتگی‌اش را هیچ کس نمی‌تواند پیش‌بینی و تعیین کند؛ زیرا حتی در حوزه‌ای مانند رشد فیزیکی که انسان‌ها با هم مشترکات بسیار دارند، نمی‌توان دو انسان را یافت که کاملاً شبیه هم باشند. بنابراین، باید پذیرفت که کودکان هرگز خود را به حد و مرزهایی که از قبل برایشان تعیین می‌کنیم محدود نمی‌سازند و برای رسیدن به موجودیت مستقل کمال یافته خود از هیچ کس اجازه نمی‌گیرند.

شرط لازم برای محقق کردن رویداد مهم به کمال رسیدن انسان آن است که همه کسانی که در فراهم آوردن شرایط برای رشد همه‌جانبه در کنار کودک قرار می‌گیرند، باور کنند که کودک صفحه سفیدی نیست که هر آنچه می‌خواهند می‌توانند در آن رسم کنند. خمیر نیست تا در دست‌های آن‌ها به هر شکلی که اراده کنند درآید و مینیاتور یا کوچک‌شده بزرگ‌سالان نیست تا لباس‌های خود را بر تن او کنند!

در این نوشتار کوشیده‌ایم تنها به مرور پاره‌ای از ویژگی‌های کلی گروه‌های مختلف پیش دبستانی بپردازیم؛ ویژگی‌هایی که از مطالعات علمی بسیار زیاد به دست آمده‌اند و در آن‌ها پندارهای کلیشه‌ای و توهم آمیز دخالت ندارند.

این معیارها به هیچ عنوان غیرقابل تغییر تلقی نمی‌شوند؛ زیرا هر کودک پدیده‌ای است که باید او را از نو شناخت و با تولد هر کودک جامعه انسانی تولدی دوباره می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: کودک، رشد، طبقه‌بندی، گروه‌های پیش دبستانی

کودک

کودکی اولین و مهم‌ترین دوره زندگی آدمی است. در این دوره کودک برای نخستین بار با طبیعت رابطه برقرار می‌کند، روابط اجتماعی خود را بنامی‌نهد و به مفهومی از خود دست می‌یابد. از آنجا که در این دوره، ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می‌شود، دوران کودکی را دوران سرنوشت‌ساز و مثبت دانسته‌اند. (مفیدی، ۱۳۸۱: ۳)

واضح و روشن است که این دوران حساس و بحرانی عموماً با سریع‌ترین دوران رشد انسان انطباق دارد و براساس نتایج تحقیقات جدید، سریع‌ترین دوران رشد و یادگیری با سال‌های اولیه کودکی و سنین پیش دبستان منطبق است.

این موضوع به وسیله تحقیقات دامنه‌دار **بنجامین بلوم**^۱ نیز قابل دفاع است؛ چرا که او نیز برای رشد هوش این دوران حساس را پیشنهاد کرد. به اعتقاد وی، وقتی این دوران سپری می‌شود، محرکات تازه آثار کمتری بر تغییرپذیری دارد.

بلوم با انتشار کتابی با عنوان «پایداری و تغییر در خصوصیات انسان» به اهمیت سال‌های اولیه کودکی توجه شایانی نموده است. او دریافت که حدود پنجاه



خود را دارد.

در جهان امروز نیز اندیشمندان زیادی با روش‌های سازنده و انسانی به نیازهای کودکان توجه می‌کنند. از جمله کسانی مانند **فردریک فروبل**^۲ - مؤسس اولین کودکستان جهان - و **ماریا مونتسوری**^۳ که به ارزش واقعی دورهٔ کودکی و ضرورت آموزش‌های این دوره و نیازهای کودکان پی بردند. به چنین یقینی رسیدن فقط ذهنی و در حد شعار و گفتار نبود بلکه آن‌ها این باور را در عرصهٔ عمل نیز متجلی ساختند.

پیش از این دو تن، اندیشمندان برجسته‌ای نیز مانند **ژان ژاک روسو**^۴، **پستالوژی**^۵ و پیش از آن‌ها، **جان لاک**^۶ و **کمینیوس**^۷، آرا و عقاید تربیتی، فرضیه‌های اساسی، شرایط آموزشی و روش‌های مختلف دیگری را برای فراگیر شدن آموزش‌های پیش‌دبستانی ارائه داده بودند.

ما بر این باوریم که جایگاه آموزش‌های پیش از دبستان از زوایای مختلفی، اعم از سن فراگیری، نحوهٔ آموزش و فضای آموزشی در خور تأمل است.

در آموزش‌وپرورش سنتی، مبدأ ورود دانش‌آموز به دورهٔ آموزشی هفت سالگی (پایان شش سالگی) بود و پیش فرض این نگاه، مدرسه را فضایی متصور می‌کرد که برای انتقال مجموعه‌ای از مفاهیم و آموزه‌ها به دانش‌آموزان بنا شده است. در آموزش‌وپرورش نوین این نگاه کاملاً تغییر کرده است و اگرچه هفت سالگی برای گردآوری و یادگیری مفاهیم آموزشی، مناسب شناخته شده، این سن برای تربیت کردن و شکل‌گیری شخصیت کودکان مناسب تشخیص داده نشده است. به‌همین دلیل، امروزه دورهٔ پیش از دبستان به‌عنوان بحث جدی آموزش‌وپرورش در دنیا مطرح است که طی آن چگونگی زیستن، چگونه بودن و مهارت‌های زندگی کردن نه در قالب آموزش‌های خشک و مستقیم، بلکه با رویکرد تربیتی و پرورشی به نوآموزان ارائه می‌شود.

امروزه با توجه به مفهوم روز تربیت، بحث آموزش در دوران اولیهٔ کودکی گسترش کمی و کیفی یافته است و محدودهٔ

درصد از رشد هوشی بین زمان تولد تا چهار سالگی، حدود سی درصد بین چهار تا هشت سالگی و بیست درصد باقی‌مانده در فاصلهٔ هشت تا هفده سالگی شکل می‌گیرد.

بلوم استدلال می‌کند که تجارب اولیهٔ مفید برای رشد هوش بسیار ضروری و لازم‌اند؛ زیرا در شش سالگی، که سن ورود به مدرسه و شروع آموزش رسمی است، تقریباً دو سوم توانایی هوشی نهایی فرد شکل می‌گیرد.

پس طبیعی است که امروزه آموزش‌وپرورش پیش از دبستان، که ضرورتی بدیهی است، کمتر به‌عنوان یک امتیاز و بیشتر به‌عنوان یک حق فردی برای کودکان محسوب شود و از قالب فانتزی خود درآید. همچنین، از این دوره لزوماً و فقط انتظار آمادگی تحصیلی نمی‌رود بلکه این تفکر عمومیت و مشروعیت بیشتری پیدا کرده است که برقراری این مراکز برای رفاه اجتماعی و محرومیت‌زدایی و نیز رشد و شکوفایی و شادی و سلامتی جامعه نیز کاربرد ویژه

آموزش‌وپرورش پیش‌دبستانی را از زمان تولد تا شروع اولین سال‌های دبستان - پایان شش سالگی - دربرمی‌گیرد.

در چنین سال‌هایی، کودکان مراحل مهم و حساس زندگی خود را از منظر شخصیتی، اجتماعی و آموزشی پشت‌سر می‌گذارند. با توجه به خصوصیات رشد و یادگیری کودکان، این دورهٔ سنی در کشورهای مختلف به‌گونه‌های متفاوتی طبقه‌بندی شده است که در اینجا با اشاره به نمونه‌ای از متداول‌ترین این طبقه‌بندی‌ها ویژگی‌های هر گروه را به ایجاز ذکر می‌کنیم. (مفیدی، ۱۳۹۰)

گروه‌های پیش‌دبستانی^۸:

۱. کودکان شیرخوار^۹ (از تولد تا ۱۸ ماهگی)
۲. کودکان نوپا^{۱۰} (۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی)
۳. کودکان نوپاوه^{۱۱} (۳-۴ سالگی)
۴. کودکان آمادگی^{۱۲} (۴-۶ سالگی)

کودکان شیرخوار (از تولد تا ۱۸ ماهگی)

از بدو تولد تا حدود ۲۴-۱۸ ماهگی، دوره‌ای کوتاه اما تعیین‌کننده در تمامی طول حیات انسان می‌باشد. در این مقطع زمانی، اعمال کودک، که به او شیرخوار می‌گویند، بیشتر غریزی، تصادفی و انعکاسی است.

او با رفتارهای انعکاسی معینی مانند مکیدن، چنگ‌زدن و گریه کردن متولد می‌شود. (سینگر، ۱۳۶۰: ۴۰)

کودک نوزاد برای درک اشیا و محیط خود تقریباً به‌طور کامل به اعضای حسی و حرکات بدنی مانند گرفتن و لگ‌زدن وابسته است. این دوره از رشد و تکامل کودک آغاز مرحلهٔ حسی - حرکتی است که تقریباً تا دو سالگی ادامه دارد.

در این سال‌ها تلاش پرورش‌دهندگان کودک آن است که ضمن پرورش جسمی، او را به‌نوعی از تکامل حسی و حرکتی برسانند؛ تغذیهٔ او کامل باشد تا از وضع جسمی مطلوبی برخوردار باشد، تا حد امکان از حواس رشد یافته برخوردار باشد، خوب ببیند، بشنود، ببوید، بچشد و لمس کند و در نهایت، به نخستین پیروزی

بزرگ انسان در یادگیری، یعنی به کار بردن حواس، دست یابد.

دیگر اینکه همپای رشد جسمی به رشد عاطفی نیز برسد؛ یعنی، دارای عواطف مشخصی شود و ارتباط کلامی برقرار کند. گرچه سخن گفتن او خود مرکزگرا باشد و گویی به قصد شنیدن صدای خود و لذت بردن از آن صورت گیرد؛ عملی که پیازه، آن را یک تجربه «حسی و حرکتی» می‌شناسد. (همان: ۷۴)

کودکان شیرخوار خیلی زود می‌توانند صدای مادر خود را از دیگران تشخیص دهند. بنابراین، شنیدن آوای لالایی از زبان مادر خود، بسیار آرامش‌بخش خواهد بود و برای کودک امنیت عاطفی و روانی خاصی به همراه خواهد داشت.

کودکان نوپا (هجده ماهگی تا سه سالگی)

در محدوده سنی تعیین‌شده برای کودکان نوپا، کودک آرام‌آرام از نظر حرکتی به سطحی از مهارت دست می‌یابد و دارای احساساتی مشخص می‌شود. در حد رفع نیاز با دیگران ارتباط کلامی برقرار می‌کند. گرچه هنوز سخن گفتن او چیزی در حد تک‌گویی جمعی یا به گفته پیازه، «نوعی فکر کردن با صدای بلند» است، از حواس خود برای کشف محیط و مفاهیم بهره می‌برد و بالاخره دارای نوعی تفکر است.

کودکان نوپا معمولاً سرگرم‌کننده و فعال‌اند. آن‌ها همه‌چیز را به سرعت می‌آموزند و اطرافیان را با کارها و فعالیت‌هایشان سرگرم می‌کنند.

این کودکان معمولاً بخشی از اوقات خود را با دویدن، ایستادن، به جلو و عقب حرکت کردن و به‌طور سریع دور زدن می‌گذرانند. البته گاهی این رشد برای مدت‌ها در کودکان وجود دارد و در سنین مختلف خود را نشان می‌دهد.

این گروه از کودکان، که تازه راه رفتن را یاد گرفته‌اند، دوست دارند صداها را با دیگران تقسیم کنند. آن‌ها برای آرامش بخشیدن، زیر لب آواز می‌خوانند و از بزرگ‌ترها می‌خواهند که آهنگ‌های مورد علاقه‌شان را بارها و بارها بخوانند. همچنین از جملات سه یا چهار کلمه‌ای

استفاده می‌کنند.

با کتاب‌های سرگرم‌کننده می‌توان کودکان نوپا را به آموزش و تفکر سریع تشویق کرد. آن‌ها به‌خوبی می‌توانند عبارت‌های یک کتاب، چه نثر و چه نظم، را تکرار و به همراه فرد گوینده صحبت کنند. در بسیاری از مواقع، آن‌ها آنچه را از یک کتاب درک کرده‌اند، با ورق زدن صفحات آن مطرح می‌کنند و گاهی به‌محض رسیدن قصه به انتهای آن با گفتن «پایان» نشان می‌دهند که قصه به انتها رسیده است.

کودکان نوپا برای پی‌بردن به موضوع واقعی داستان به کتاب‌هایی مصور نیاز دارند. کودکان هیجان‌ها و احساسات کامل خود را زمانی نشان می‌دهند که مطلب عنوان شده در عالم بیرونی تحقق یابد؛ مثل دیدن یک گل آفتابگردان بزرگ یا ماشینی که آتش گرفته است که برابر با مطالب کتاب باشد.

کودکان نوباوه (۴-۳ سالگی)

کودکان نوباوه از حالت وابستگی گذشته به‌طور نسبی خارج می‌شوند و استقلال خود را به‌دست می‌آورند. این دوره، بهترین زمان برای آموزش مهارت‌های حرکتی است. طول جملات در این دوره افزایش پیدا می‌کند و به‌صورت کامل ادا می‌شود. (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۵: ۴)

این دوره، دوره چپستی است و کودک در نهایت شگفت‌زدگی نسبت به پدیده‌ها، موجودات و رویدادهای پیرامون خود کنجکاو است و سؤال کردن را می‌آموزد. جالب است که او ظاهراً چندان هم دربرند یافتن پاسخ‌های مشخص برای پرسش‌هایی که از ذهنش می‌جوشد نیست بلکه فقط آن‌ها را تمرینی برای سؤال کردن در نظر می‌گیرد که برای نزدیک‌تر کردن اندیشه‌های خود به تفکرات منطقی بزرگ‌سالان است. چرا که منشأ بیشتر این سؤالات، نه فکر منطقی بلکه همان تفکر کودکانه آمیخته با خیال و واقعیت است. در یک کلام، کنجکاوی ویژگی مهمی است که می‌توان این تظاهرات را زیرمجموعه آن قرار داد.

شناخت خود نیز یکی دیگر از دغدغه‌های اوست. همه نشانه‌ها و علائم

موجود در آن برایش مهم است و در واقع، او «خودمرکزگرا»ست، خویشتن را محور فعالیت‌های عالم می‌انگارد و می‌خواهد از این راه شناخت خود را از جسم، عاطفه، حس، فکر، منش و رفتار خویش کامل کند. در پایان این تلاش است که شخصیت فردی او شکل می‌گیرد و به‌نوعی هویت فردی دست می‌یابد. (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۴: ۱۰)

کودکان آمادگی (۶-۴ سالگی)

سه تا شش سالگی، سنین به‌هم پیوسته‌ای است که جداکردن آن‌ها و تقسیم‌بندی‌های متعارف دیگر - مانند همین تقسیم‌بندی به دو گروه نوباوه و آمادگی - تنها برای مطالعه بهتر این دوران می‌باشد؛ زیرا ویژگی‌های کودکان در محدوده این سنین بسیار مشابه است. از این‌رو خصوصیتی که برای کودکان آمادگی ذکر می‌شود، برای کودکان نوباوه نیز تا حدودی می‌تواند صادق باشد.

دوره آمادگی سال‌های حساسی برای آماده‌سازی کودک برای ورود به یک محیط رسمی به‌شمار می‌رود. سال‌هایی که از کودک نباید توقع داشت که فعالیت رسمی آموزشی خود را شروع کند اما به‌طور رسمی و مقدماتی بایستی به تفکر و چگونگی استفاده از آن بیندیشد.

خیال‌پردازی یکی از ویژگی‌های مهم این دوره سنی است. باید بپذیریم که هرچا تجربه‌های واقعی برخاسته از آزمون و خطا نتوانند به تبیین شناخت‌ها منجر شوند، راه خیال را باز می‌کنند. به‌عبارتی، آنجا که درهای واقعیت بسته می‌شود، پنجره‌های خیال گشوده می‌شود و به کودکان شناخت عطا می‌کند.

در این مرحله کودک «خودمرکزگرا» به اعتبار جاندارپنداری، اشیا و پدیده‌ها را زنده می‌انگارد و می‌تواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند. در چنین مواقعی سعی در اینکه او را به سطح فکری خود برکشیم، بی‌فایده است. تنها کاری که از ما ساخته است این است که سعی کنیم خود را به‌طرز تفکر او نزدیک سازیم. (سینگر، ۱۳۶۰: ۱۲۸)

کودکان در سنینی که توان تفکر منطقی ندارند، همه یافته‌هایشان را از صافی

5. Johan Heinrich Pestalozzi
6. John Loke
7. John Amos Comenius
8. Preschool groups
9. Infants
10. Toddlers
11. Nursery schoolers
12. Readiness schools

منابع

۱. مفیدی، فرخنده، مبانی و اصول آموزش و پرورش پیش دبستان، ۱۳۹۰، سازمان سمیت
۲. سینگر، دروتی جی و تریسی آرونسن؛ مقدمه ای بر پیازه کودک چگونه فکر می کند، ترجمه مصطفی کریمی، آموزش، تهران، ۱۳۶۰.
۳. شعبان نژاد، افسانه؛ یک آسمون دو آسمون، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
۴. قزل ایاغ، ثریا؛ ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، سمت، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۵. مفیدی، فرخنده؛ آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی، دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۱.
۶. www.Early childhood education.org.uk

ارزش های اخلاقی خود درونی می سازد. در این دوره، که با رسیدن به سن آغاز دبستان خاتمه می یابد، پرورش قوه تخیل، پاسخ گفتن به کنجکاوی ها، پرورش نیروی تفکر و تعقل و پرورش منش و شخصیت فردی کودک از مهم ترین پایه های تربیت او به حساب می آیند. نشانه های اجتماعی شدن در این سن کودک را به تعامل با دیگران دعوت می کند و کم کم گفت و گوهای کودک از لذت جویی و تکرار به تکلم اجتماعی تبدیل می شود.

پی نوشت ها

1. Benjamin Bloom
2. Friedrich Wilhelm Froebel
3. Maria Montessori
4. Jean Jacques Rousseu

ذهنی خیال پرداز خود عبور می دهند و برآیند آن را به عنوان واقعیت می پذیرند اما نه واقعیتی منجمد و ایستا، بلکه واقعیتی همچون وجود و خیالشان گذرنده و کم دوام که با اندک جریانی مجدداً از نو خود را در معرض یافته های جدید قرار می دهد و تغییر می یابد.

میل به بازی یکی دیگر از نمودهای این دوره است که البته در تمام طول حیات با انسان باقی می ماند و شکل عوض می کند؛ تا آنجا که پیشرفته ترین تظاهرات تخیلی هر انسان را محصول میل انسان به بازی، منتها بازی کمال یافته و در اوج خلاقیت، تلقی می کنند. توافق عمومی بر این است که بازی یک روش طبیعی یادگیری است. در ضمن، شخصیت کودکان را شکل می دهد و به رشدی مطلوب می رساند؛ به خصوص بازی های تجسمی و نمادین که در رشد هوش کودک تأثیر مهمی دارند.

پیاژه معتقد است: «در این دوره، بسیاری از یادگیری های کودک درباره زبان، اخلاق، زمان و عدد در خلال بازی های او صورت می گیرد.»

سرانجام، حس تقلید قوی کودک در این محدوده سنی به او کمک می کند تا با تقلید از رفتارها و گفتارهای بزرگسالان به تمرین زندگی بپردازد و سعی کند به الگوی مناسبی برای رفتارها و گفتارها برای خود دست یابد. به خصوص در اینجا باید به کسب ارزش های اخلاقی اشاره کرد که ابتدا از راه تقلید و به صورت اقتسابی در حال استمرار حاصل می شود و در سنین بالاتر با درک کامل، پاره ای از آن ها را به عنوان

جدول ویژگی طیف های سنی مختلف کودکان پیش دبستانی (تولد تا پایان ۶ سالگی)

گروه های سنی	خصوصیات ویژه
تولد تا ۱۸ ماهگی (کودکان خردسال)	۱. غریزی، تصادفی و انعکاسی بودن (مانند: مکیدن، چنگ زدن و گریه کردن) بیشتر اعمال کودک ۲. وابسته بودن به اعضای حسی و حرکات بدنی برای درک اشیا و محیط پیرامون ۳. دست یافتن به نخستین پیروزی بزرگ انسان در یادگیری، یعنی به کاربردن حواس ۴. خودمركزگرا بودن، سخن گویی او به قصد شنیدن صدای خود و لذت بردن از آن ۵. سهیم کردن خویش در شنیدن اصوات با حرکت دادن بازوها و پاها یا برگرداندن سر به سمت صدا
۱۸ ماهگی تا ۲ سالگی (کودکان خردسال)	۱. سخن گفتن در حد تک گویی جمعی (فکر کردن با صدای بلند) ۲. فعال بودن و سرگرم کننده بودن اطرافیان ۳. گذراندن بیشتر اوقات خود با فعالیت هایی مانند: دویدن، ایستادن، به جلو و عقب حرکت کردن و به طور سریع دورزدن ۴. استفاده از جملات سه یا چهار کلمه ای ۵. اشتیاق وافر به خواندن مکرر آهنگ های مورد علاقه شان ۶. بهره بردن از حواس خویش جهت کشف محیط و مفاهیم
۲-۳ سالگی (کودکان خردسال)	۱. خارج شدن نسبی از حالت وابستگی گذشته ۲. افزایش طول جملات و اداشدن به صورت کامل ۳. بهترین زمان برای آموزش مهارت های حرکتی ۴. کنجکاوی نسبت به پدیده ها، موجودات و رویدادهای پیرامون ۵. در بند یافتن پاسخ های مشخص برای سؤالات نبودن و تمرین پرسش برای نزدیک کردن اندیشه های خود به تفکرات منطقی بزرگسالان ۶. رسیدن به نوعی هویت فردی با دغدغه شناخت خود و خودمركزگرا بودن
۳-۶ سالگی (کودکان خردسال)	۱. خیال پردازی و زنده انگاری اشیا و پدیده ها به اعتبار جاندار پنداری ۲. میل شدید به بازی به ویژه بازی های تجسمی و نمادین و انجام یافتن بسیاری از یادگیری های کودک درباره زبان، اخلاق، زمان و عدد در قالب بازی ۳. دوران حساس آماده سازی کودک برای ورود به محیط رسمی آموزش ۴. پرورش قوه تخیل، نیروی تفکر و تعقل و پرورش منش و شخصیت فردی ۵. دارا شدن حس تقلید قوی و کسب ارزش های اخلاقی از این راه و درونی شدن بیشتر آن ها ۶. اجتماعی شدن تدریجی کودک

آموزش مهارت گوش نکردن به کودکان!

سید غلامرضا فلسفی

کارشناس ارشد علوم و ارتباطات اجتماعی
و کارشناس گروه پیش دبستانی دفتر تألیف

آیا شما

هم جزء آن دسته مربیانی هستید که از حرف گوش نکردن کودکان در کلاس پیش دبستانی گله‌مندید؟

اگر پاسختان مثبت است باید بدانید که اصلی‌ترین عامل ایجاد این مشکل

ارتباطی، آموزشی ریشه‌دار است که بیشتر کودکان برای گوش نکردن دریافت می‌کنند.

فرمان‌های ضد گوش کردن را از الگوهای خود، (والدین و مربیان که به‌طور معمول شنوندگانی بد محسوب

می‌شوند) دریافت می‌کند. برخی والدین و مربیان ضمن بیان اظهارات ضد گوش کردن، هر روز و به‌دفعات، با زبان

بدن نیز این مسئله را بازتاب می‌دهند. کودک مشاهده می‌کند که پدر و مادرش ضمن اینکه اغلب هنگام صحبت نسبت

به یکدیگر بی‌توجه‌اند، به او نیز گوش فرا نمی‌دهند. همچنین مربی بارها صحبت او و دوستانش را در کلاس قطع می‌کند و یا

گفته‌های آنان را نشنیده می‌گیرد و بدین‌سان کودک از عنفوان کودکی مهارت گوش نکردن را می‌آموزد.

کیفیت محتوای آموزشی نیز عملکرد ناصواب والدین و مربی را در مخالفت با رشد مهارت‌های گوش کردن تقویت می‌کند. در بسیاری

از مراکز پیش دبستانی به برنامه‌های آموزشی برای رشد مهارت‌های گوش کردن به‌طور جدی و مؤثر پرداخته نمی‌شود. این مهم در جامعه‌ای

که به‌دلیل سیطره فرهنگ شفاهی بر سپهر ارتباطی آن، کودکان باید حداقل سه‌برابر زمانی را که صرف فعالیت‌های دیگر کنند به گوش کردن

اختصاص دهند؛ نامعقول می‌نماید. لازم به ذکر است که ابعاد غیراستاندارد اغلب کلاس‌های پیش دبستانی همراه با تراکم بالای کودکان و نحوه

مبلمان آموزشی نیز در عین ایجاد محدودیت در ارتباطات کلامی بین فردی، فضای یک‌سویه شنونده‌مدار فضاهای آموزشی را تشدید کرده است.

ضمن تأکید بر تفاوت‌های ماهوی گوش کردن با شنیدن و صرف‌نظر از نسبت خاص زمان گوش کردن فعال به حرف زدن، وقتی کودک برای

مدتی طولانی بدون هیچ حرف یا پاسخی فقط گوش دهد، کارایی گوش کردنش به طرزی

چشمگیر کاهش می‌یابد و سرانجام ذهنش به سمت موضوع‌هایی متفاوت با آنچه

مربی بیان می‌کند سوق می‌یابد. از آنجا که کودک قادر نیست به تمامی مطالب

که در کلاس پیش دبستانی برایش در نظر گرفته شده است گوش فرادهد، یاد

می‌گیرد که به‌هنگام صحبت افراد، ذهن خود را خاموش و غیرفعال سازد.

طبعاً تکرارها و ماهیت بعضاً خسته‌کننده صحبت‌های مربی نیز این

مشکل را تشدید می‌کند.

مواردی چون بازنگری در فعالیت‌های دوره پیش دبستانی

براساس الگوی هدف‌گذاری برنامه درسی ملی به‌ویژه چهار

عرصه ارتباطی تشکیل دهنده آن (ارتباط با خدا، خود،

خلق، خلقت) که می‌تواند موجبات تقویت رویکردی

ارتباطی را در جغرافیای تولید محتوای استانی فراهم

کند، برگزاری دوره‌های ارتباطات انسانی برای آشنایی

مربیان با مهارت‌های گوش کردن اثربخش و جلب

نمودن توجه والدین و مربی به اهمیت گوش فرا

دادن به کودک، همچنین طراحی و اجرای

فعالیت‌هایی که چگونه گوش کردن فعال

را یاد دهد و کارایی آن را افزون کند،

می‌توانند جزو گام‌های اولیه برای رفع

مشکل ارتباطی یاد شده تلقی

شوند.





دوره پیش دبستانی پلکان یا گنر گاه؟

اشاره

مرتضی طاهری

طبق اساسنامه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی دوره ای دو ساله است که کودکان را از سنین چهار سال تمام تا قبل از ورود به دبستان، دربرمی گیرد. به این دوره که به علت کمبود امکانات و سایر عوامل معمولاً محدود به یک سال قبل از دوره ابتدایی است «آمادگی» هم گفته می شود. همین عناوین گاه موجب برداشت ها و اقدامات نادرستی می شود که در زیر به برخی از آن ها اشاره می کنیم. از سوی دیگر، رسمی (و البته غیر اجباری) شدن دوره به استناد برنامه درسی ملی، ایجاب می کند از زاویه ای دیگر نیز به آن نگاه شود و نگرش عمومی نسبت به آن اصلاح گردد.

آیا به راستی، دوره آمادگی پیش نیاز و مقدمه ورود به دبستان (ادبستان) است و نونهالان در کودکستان باید مطالبی را فرا بگیرند که در ادامه در پایه اول ابتدایی دنبال می شود؟ و به عبارت دیگر آیا پیش دبستانی، پلکانی برای ورود به دوره ابتدایی است؟ اگر پاسخ مثبت است، با توجه به اختیاری بودن این دوره و زیر پوشش قرار نگرفتن همه کودکان کشور، در این مقطع (به هر دلیل)، عدالت آموزشی چگونه محقق می شود؟ واقعیت این است که فلسفه وجودی و مأموریت این دوره، آماده سازی کودکان برای ورود رسمی به محیط اجتماعی است. به عبارت دیگر، کودک پس از سال های اولیه زندگی و بازی و جنب و جوش در خانه و پرورش در دامن مادر، هنگامی که قرار است از محیط آزاد و غیر رسمی خانه، پا به محیط رسمی مدرسه بگذارد، خوب است از گذرگاهی نیمه رسمی عبور کند؛ همچون شناگری که برای ورود به آب، مقدماتی را طی می کند. یکی از این گذرگاه ها کودکستان و دوره آمادگی است. این دوره، پلکان آموزشی برای پایه اول ابتدایی نیست بلکه محملی است برای کسب مهارت های اولیه اجتماعی از جمله سواد شفاهی (گفتن و شنیدن)، سواد بصری و جامعه پذیری. بنا نیست که در این دوره، کودک، به سواد کتبی (خواندن و نوشتن) دست یابد و اگر چه توان آن را دارد به مصلحت او نیست که دوره آزادی و سیادت (به تعبیر معصومین (ع)) را با آموزش های رسمی و مدرسه ای طی کند و از لذت انس با سایر کودکان و محیط محروم شود. مباد که به جای بهره گیری از روش های جذاب و کودکانه مثل شعر و قصه، بازی و نمایش، نقاشی و کار دستی و... در این دوره، اوقات بچه ها را در کودکستان با حروف آموزی و سایر آموزه های سنگین، تلخ کنیم و به جای انس و علاقه به یادگیری، دفتر و کتاب و مدرسه، از همان آغاز از این نعمت ها بیزارشان کنیم.



نقش مؤلفه‌های محیطی بر رشد همه‌جانبه کودکان

احمدملکی‌پور

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهلران

چکیده

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های محیطی، کودکان، خانواده، همسالان، بازی

مقدمه

با توجه به پیچیدگی جوامع و بروز نابهنجاری‌های روانی و رفتاری در بین کودکان، لزوم پرداختن به فرایند آموزش همه‌جانبه آنان و مطرح کردن راهبردهای صحیح برای تقویت و شکوفایی این پدیده بیش از پیش احساس می‌شود. لذا اگر به نیازها و حیطه‌های تکاملی کودکان در این دوران پاسخ مناسبی داده شود، آن‌ها سالم‌تر خواهند بود و قدرت تفکر و تعقل بیشتر و مهارت‌های عاطفی و اجتماعی بهتری خواهند داشت (زارعی و همکاران، ۱۳۹۱).

امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه کودکان عوامل محیطی است. تجاربی که فرد از محیط خود

کودکی، مهم‌ترین دوران شکوفایی انسان و اساسی‌ترین پایه برای تأمین سلامت در دوره‌های بعدی زندگی از لحاظ جسمانی، روحی روانی و شخصیتی است. در این میان، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد همه‌جانبه کودکان عوامل محیطی است. تجاربی که کودک از محیط خود کسب می‌کند، ارتباط و تعاملی که با محیط دارد و بازخوردها و تأثیراتی که از محیط دریافت می‌دارد رشد و آموزش او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف اصلی این مقاله شناسایی و تبیین نقش عوامل محیطی بر رشد همه‌جانبه کودکان می‌باشد. بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که مؤلفه‌های محیطی، از جمله محیط خانوادگی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، نگرش والدین، وجود یا نبود خواهر و برادر، مهدکودک‌ها، زمینه فرهنگی - اجتماعی، فعالیت‌های بدنی، بازی و همچنین همسالان، نقش بسزایی در رشد همه‌جانبه کودکان دارند.

کسب می‌کند، ارتباط و تعامل او با محیط و بازخوردها و تأثیراتی که از آن دریافت می‌دارد رشد و تکاملش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، هر چند برخی ویژگی‌ها پایه و اساس ژنتیک در فرد دارند ظهور و بروز آن‌ها وابسته به شرایط محیطی است. مطالعات متعددی که در فرهنگ‌های مختلف انجام گرفته حاکی از این است که کمبود محرک‌های محیطی و نبودن امکان تجارب حسی - حرکتی و ذهنی آثار نامطلوبی بر روند رشد روانی و اجتماعی کودکان می‌گذارد. علاوه بر این، نشان داده شده است که غنی‌سازی محیطی از طریق افزایش محرک‌های اجتماعی، ادراکی و عاطفی موجب کاهش عقب‌ماندگی‌های رشدی حاصل از فقر محیطی می‌شود (مفیدی، ۱۳۸۸).

صاحب‌نظران معتقدند اگر آموزش‌ها و محرکات مناسب در این دوره به کودکان ارائه نشود، در دوره‌های بعدی همین محرکات تأثیرات کمتری در تغییرپذیری کودک خواهند داشت. براساس نظریه بنجامین بلوم، حدود پنجاه درصد از رشد هوش از تولد تا ۴ سالگی صورت می‌گیرد، ۳۰ درصد این رشد بین ۴ تا ۸ سالگی و تنها ۲۰ درصد آن از ۸ تا ۱۷ سالگی محقق می‌شود. بلوم تأثیر زندگی در محیط غنی و محروم را در افزایش و کاهش نمره هوشی مورد تأکید قرار داده است. براساس تحقیقی که در یکی از دانشگاه‌های نیویورک انجام پذیرفته است، چنانچه کودکی در نخستین سال‌های زندگی در محیطی غنی قرار گیرد، کورتکس مغز او رشد می‌کند و شیارهای آن زیادتر می‌شود و سلول‌های گلیا، که باعث ترشح آنزیم حافظه‌سازند، افزایش می‌یابند. در نتیجه، مغز تقویت و یادگیری تسهیل می‌شود. (عصاره، ۱۳۸۲)

بنابراین، یکی از وظایف خطیر جوامع تجهیز کودکان به نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های ضروری برای تجدیدنظر در الگوها و تغییر آن‌ها و فعالیت‌های جاری برای تضمین و پایداری آینده آن‌هاست (Davis et al. 1998). اگر ما می‌خواهیم فرزندانمان در معرض دانش‌ها، مهارت‌ها، راهبردها و ارزش‌های اجتماعی قرار گیرند، باید آموزش غنی به‌عنوان بخشی اساسی در تمام سطوح تعلیم و تربیت گنجانده شود. بدین ترتیب، فراهم کردن محیط مساعد، همچنین آشنایی با روش‌های مناسب در پرورش و آموزش کودکان در استفاده از این روش‌ها می‌تواند نقش بسیار مهمی در کیفیت زندگی حال و آینده کودکان داشته باشد. براساس آنچه گفته شد، در این مقاله نقش مؤلفه‌های محیطی بر رشد همه‌جانبه کودکان شناسایی و تبیین می‌شود.

مؤلفه‌های محیطی خانواده (وضعیت اجتماعی - اقتصادی، والدین، خواهر و برادر): زیربنای امنیت روانی و آموزش کودکان

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان‌هاست. به تجربه ثابت شده است که کودک در محیط و فضای خانوادگی سالم بهتر رشد می‌کند و به تکامل و تعالی می‌رسد. در این میان، تنوع در شرایط پرورش کودکان به‌عنوان عاملی حیاتی تأثیر بسزایی در رشد و آموزش همه‌جانبه کودکان

دارد. در اوایل کودکی والدین به محدود کردن و سازماندهی محیط اطراف کودکان اقدام می‌کنند (Reed et al., 1996). آن‌ها تصمیم می‌گیرند که کودک در کف ساختمان باشد یا اینکه به پله دسترسی داشته باشد، روی شکم خود بخوابد یا به پشت دراز بکشد. بدیهی است که کیفیت محیط خانواده به‌طور مستقیم با فکر، رشد و آموزش اعضای خانواده مرتبط است. برای ارزیابی تأثیر محیط اولیه خانه بر رشد عقلی کودکان، محققان سعی کرده‌اند اطلاعاتی درباره کیفیت محیط منزل از طریق روش‌های مشاهده و مصاحبه با والدین به‌دست آورند. طبق نتایج گزارش شده با محیط منظم و تحریک‌کننده مغز همراه با محبت و ترغیب والدین (بدون توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی و قومیت خانواده) همیشه می‌توان بهره هوشی اولیه کودکان را پیش‌بینی کرد. طبق نتایج همین پژوهش‌ها اگر خانواده‌هایی در ویژگی‌های ذکر شده در بالا نمرات کمی دریافت کنند، معمولاً فرزندان‌شان حدود پانزده تا بیست نمره کاهش هوش نشان می‌دهند (بخشانی، ۱۳۸۹).

تأثیر خانواده بر رشد کودکان در یافته‌های لیسچو و همکاران نیز نشان داده شده است. آن‌ها ۲۸۳ نفر را که برای شش سال با مادران معتاد به کوکائین و مواد مخدر پرورش یافته بودند بررسی کردند. در آموزش و رشد این کودکان در همه زمان‌های بررسی تأثیراتی دیده می‌شد (Leitschuh et al., 2001). از این‌رو خانواده مهم‌ترین عامل سازنده شخصیت کودک است. کودکان سال‌های اولیه عمرشان را، که از نظر تربیتی مهم‌ترین سال‌های زندگی به شمار می‌رود، در محیط خانواده سپری می‌کنند. به همین علت، امر تربیت را در این دوران باید کاملاً جدی گرفت. به این دلیل که اگر والدین در این دوران تربیت کودکان را امری ساده بدانند و در این کار سهل‌انگاری کنند در آینده باید رفتارهای ناصحیح و خلاف هنجارهای جامعه را از کودکان انتظار داشته باشند. (معتمدی، ۱۳۷۳)

وضعیت اقتصادی - اجتماعی

صاحب‌نظران معتقدند که وضعیت اقتصادی خانواده تأثیر بسزایی بر رشد و آموزش کودکان دارد، به‌طوری که درآمد خانواده در چگونگی آموزش فرزندان تقریباً حرف اول را می‌زند. خانواده‌ای که کم‌درآمد است و فرزندان بیشتری دارد، به سختی می‌تواند هزینه تحصیلات آن‌ها را فراهم آورد. در نتیجه، فرزندان چنین خانواده‌ای شانس کمتری برای راهیابی به مرحله تحصیلات عالی دارند. به این ترتیب، عملاً تحصیلات عالی به طبقات متوسط و بالای اجتماعی تعلق خواهد گرفت. شعاری‌نژاد (۱۳۸۵) وضعیت اقتصادی خانواده را در شخصیت فرزند بسیار مؤثر می‌داند و بیان می‌کند: «کودکی که در خانواده فقیر پرورش می‌یابد، همواره در عدم اطمینان خاطر و احساس حقارت رشد می‌کند. تعلق داشتن به خانواده‌ای ثروتمند رضایت خاطر کودک را در کسب شهرت اجتماعی بیمه می‌کند؛ در صورتی که تعلق به خانواده‌ای فقیر به‌طور قطع شهرت اجتماعی پایینی

در شخصیت اجتماعی اش خواهد داشت. حمایت و شیوه درست فرزندپروری به رفتارهای محبت آمیز والدین و مساعدتی که آن‌ها با فرزندان خود ابراز می‌دارند، اشاره دارد. شیوه درست تربیت و فرزندپروری که کودکان از والدین خود دریافت می‌کنند منجر به سلامت پایدار قابل توجهی می‌شود؛ زیرا رابطه والدین و فرزندان با فراهم آوردن شرایط افزایش سلامت موجب رشد و تحول روانی، اجتماعی و زیستی می‌شود.

در این بین، مادر نقشی حیاتی در فرایند پرورش کودک بازی می‌کند. اوبدون شک نقش غیرقابل جایگزینی در پرورش فرزندان خود دارد. چندین محقق نشان دادند که مادر نقش بسزایی در رشد و آموزش کودک دارد؛ آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مادران بعد از سه سالگی فرزندانشان نقش قوی‌تری دارند. نتایج پژوهش **فرانگبورگ و همکاران** (۱۹۹۲) نشان داد که بچه‌های مادران با تحصیلات بالا پیشرفت سریع‌تری خصوصاً در فعالیت‌های بدنی و مهارت‌های زبانی دارند. آن‌ها همچنین اشاره کردند که سطح سواد مادران در کشورهایی که در آن آموزش پیش دبستانی فراهم نمی‌شود اهمیت زیادی دارد. **جکسون و همکاران** (۲۰۰۰) نیز در مطالعه تأثیر سواد بر رشد کودکان در خانواده نتیجه گرفتند تحصیلات بالای مادران منجر به افزایش درآمد می‌شود و به دنبال آن کاهش مشکلات مالی تأثیر مثبتی در آموزش کودکان دارد. همچنین شیوه‌های مختلف فرزندپروری و تأثیر آن را بر جوانب مختلف کودک مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سبک‌های مختلف فرزندپروری به‌طور کامل در ساختار رفتارهای اجتماعی انعکاس پیدا

را برای او دربر خواهد داشت». **فرجاد** بین وضعیت اجتماعی - اقتصادی والدین و تعلیم و تربیت فرزندان رابطه قائل می‌شود و چنین می‌گوید: «نوع درآمد خانواده نقش مهمی در چگونگی آموزش و پرورش فرزندان خواهد داشت، مثلاً خانواده‌ای که درآمد کمتر و بچه‌های بیشتری دارد، به سختی می‌تواند هزینه تحصیل آن‌ها را فراهم کند» (فرجاد، ۱۳۶۷). **تقی پورظهیر** (۱۳۷۲) نیز موقعیت اجتماعی - اقتصادی والدین را بر یادگیری دانش‌آموزان مؤثر می‌داند و چنین می‌گوید: «توانایی‌های ذاتی یادگیرندگان به‌صورت‌های متعددی تحت تأثیر موقعیت اجتماعی - اقتصادی قرار می‌گیرند. انواع سنخ‌های شناختی، فرایندهای رشد تفکر، خودتصوری، روابط گروهی، روابط معلم و شاگرد، فرصت‌های آفرینندگی و کسب تجارب به‌طور عمیقی تحت تأثیر طبقه اجتماعی خاصی هستند که کودک در آن متولد شده و رشد یافته است.

نقش والدین

امروزه در نظام جهانی مشارکت افراد ذی‌نفع، به‌ویژه والدین، در آموزش و پرورش یکی از عوامل مهم دموکراسی در آموزش و پرورش است (Sleeter, 2008). کودک در روند اجتماعی شدن معمولاً والدین و به‌خصوص مادر خود را الگو قرار می‌دهد. بنابراین، شناخت نیازهای کودک و تصحیح الگوهای رفتاری او نقش مهمی



می‌کند. بنابراین، اگر والدین محیطی حمایتی و حفاظتی برای فرزندان خود فراهم آورند و شیوه درست فرزندپروری و تربیت را پیش بگیرند، فرزندان هم می‌توانند این تجربه یاد گرفته شده را تعمیم دهند. **مارتین و مکوبی (۱۹۸۳)** معتقدند همچنان که کودکان بزرگ می‌شوند، می‌توانند جست‌وجو کنند در کدام محیط‌ها حمایت اجتماعی به آسانی در دسترس است تا با استفاده از آن رشد اجتماعی خوبی داشته باشند.

نقش خواهر و برادر

به‌طور معمول، برخی شیوه‌ها که والدین برای تربیت کودکان در پیش می‌گیرند باعث نوع به‌خصوصی از رفتار در کودکان می‌شود اما زمانی که کودک خواهر یا برادری دارد، شبکه‌ای تعاملی متشکل از تعاملات والدین با بچه، تعاملات والدین با والدین و تعاملات خواهر با برادر ایجاد می‌شود. معمولاً اولین تجربه اجتماعی گسترده‌ای که کودکان قبل از تعامل با بچه‌های دیگر به‌دست می‌آورند ارتباط کودکان با خواهر و برادرانشان در خانه است. تحقیقات نشان می‌دهد که صرف‌نظر از تفاوت سنی بین بچه‌های خانواده، خواهر یا برادر بزرگ‌تر رفتار کوچک‌ترها را هدایت می‌کند (Circirelli, 1975)، و بچه‌های بزرگ‌تر به نوبه خود از رفتار بزرگسالان تقلید می‌کنند. یکی از روال‌های معمول این است که بچه‌های بزرگ‌تر کاری را انجام می‌دهند و بچه‌های کوچک‌تر از نزدیک آن را تماشا می‌کنند. سپس بچه‌های کوچک‌تر در برابر بزرگ‌ترها همان عمل را انجام می‌دهند.

کانون‌های آموزشی (مهدکودک، پیش‌دبستانی):

سازگاری عاطفی و اجتماعی کودکان

امروزه کانون‌های آموزشی برای بچه‌ها معمولاً جذابیتی بیش از خانه و خانواده دارد و نیز نقشی بسیار اساسی و مهم در سازگاری عاطفی و اجتماعی کودکان ایفا می‌کند. بنابراین، اگر مربیان افرادی آموزش دیده، کارآمد و متخصص در زمینه تربیت کودکان باشند، خواهند توانست به بهترین نحو ممکن کودکان را تربیت کنند. **لورنر (۱۸۷۳)** در پژوهشی نشان داد که تمرین و آموزش باید در زمان مشخصی صورت گیرد. او مسئله «دوران حساس» را در رشد انسان عنوان کرد. این که «زمان» عامل پدیدآمدن دوران حساس است، یعنی کودک را باید در زمان مناسب، یعنی وقتی که برخوردهای محیطی بیشترین تأثیر را در شکوفایی استعدادهای ذاتی کودک می‌گذارند، آموزش داد (به نقل از مفیدی، ۱۳۸۸).

زمینه فرهنگی - اجتماعی: تثبیت استمرار آموزش کودکان

امروزه، افراد در محیط‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی زندگی می‌کنند و هر فردی در آن واحد مجموعه‌ای از عوامل مختلف محیطی را تجربه می‌کند. تفاوت زمینه فرهنگی - اجتماعی بسیار فراتر از محیط خانواده است. از این رو، قسمت اعظم یادگیری‌هایی که شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد نه در

محیط‌های طبیعی بلکه در فضاهای بسیار پیچیده، که به وسیله رفتار افراد دیگر ایجاد شده است، انجام می‌پذیرد. منظور از محیط پیچیده اجتماعی همان الگوهای فرهنگی، طبقه اجتماعی، شیوه‌های تربیتی کودکان، ساختار خانواده و سیستم‌های تعلیم و تربیت است. هر کدام از این‌ها به نوعی منجر به استمرار آموزش در کودکان می‌شود. **تقی پورظهیر** به رابطه تحصیلات والدین و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به تحصیل اشاره می‌کند و چنین می‌گوید: «کودکی که خانواده‌اش اهل علم و ادب‌اند و در آن‌ها علاقه و رغبت به بحث و گفت‌وگو درباره اندیشه‌های نو، اختراعات و اکتشافات جدید وجود دارد، بیشتر از کودکی که در خانه‌ای است که درباره کتاب‌ها و موضوع‌ها و اکتشافات جدید صحبت نمی‌شود، آماده شرکت در بحث‌ها، درک مسائل جدید و احیاناً هماهنگی و سازگاری با آن‌ها خواهد بود. در هر حال، کودکانی که والدینشان از تحصیلات خوبی برخوردارند، احتمالاً بیشتر از سایر کودکان علاقه‌مند خواهند بود که در تحصیلات خود موفق باشند (تقی پورظهیر، ۱۳۷۲). **عسکریان** در زمینه رابطه هوش فرزندان و سطح فرهنگ خانواده می‌نویسد: «از تحقیقات به‌عمل آمده در زمینه رابطه سطح فرهنگ خانواده و هوش فرزندان به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین هوش کودکان متعلق به خانواده‌های برخوردار از فرهنگ پیشرفته اجتماعی خود بیست امتیاز بیشتر از میانگین کودکان مربوط به دیگر خانواده‌ها است». (عسکریان، ۱۳۷۱)

نقش فعالیت‌های بدنی و بازی: تسهیل یادگیری و

رشد توانایی‌های ذهنی

ظرفیت حرکتی کودک هم‌زمان با رشد فیزیولوژیک او و همچنین براساس چگونگی تعاملش با اطرافیان - که به میدان تحولی کودک نظم و جهت و انسجام می‌دهد- دگرگون می‌شود. **جنسن** معتقد است که فرد می‌تواند از مجموع توانایی‌های مغزی خود به یاری حرکت استفاده کند یا توانمندی‌هایی

|| به منصه ظهور برساند (Jens-en, 2002).

از این رو، در نظر گرفتن

جنبه‌های حرکتی و تحلیل آن‌ها برای درک رشد توانایی‌های ذهنی ضروری است (دادستان، ۱۳۷۹). کودک فقط چیزهایی را خوب فرامی‌گیرد که از راه مشاهده، تعمق، تجربه و فعالیت شخصی آموخته باشد. بنابراین، بازی‌های کودکان (بازی‌های سازمان یافته و هدایت شده و بازی‌های آزاد) نقشی بی‌بدیل در تسریع و تقویت توانایی‌هایشان ایفا می‌کند. **ویگوتسکی** معتقد است که بازی منبعی هدایت‌کننده برای رشد ذهنی کودکان پیش‌دبستانی است (نقل از: Campbell, 2008).

صاحب‌نظران
معتقدند اگر آموزش‌ها و محرکات مناسب در این دوره به کودکان ارائه نشود، در دوران بعدی همین محرکات تأثیرات کمتری در تغییرپذیری کودک خواهند داشت

چامسکی نیز عقیده دارد که ساختارهای شناختی از تلاش‌های کودک در برخورد با محیط و درک آن پدید می‌آید (نقل از: Crane, 1943). رشد حرکتی و شرکت فعال کودک در بازی‌های گوناگون حرکتی، اساس رشد عاطفی - اجتماعی، روانی - حرکتی و شناختی او را تشکیل می‌دهد (Flavell, 1988).

نقش همسالان: تسهیل نقش‌پذیری و الگوسازی کودک

همسالان را می‌توان سازمانی غیررسمی دانست که معمولاً از افراد هم سن و سال تشکیل شده است. همسالان به افرادی گفته می‌شود که در یک سطح رفتاری با یکدیگر تعامل دارند و یا در چند صفت مشترک همسان‌اند (سیف، ۱۳۷۹). آن‌ها در شرایط غریب و دشوار چنان حس امنیت و تعلق خاطر را در یکدیگر فراهم می‌سازند که غالباً از آشنایان انتظار نمی‌رود. در محیطی که همسالان ارتباط

صحیح و مناسب با هم دارند،

مهارت‌های اجتماعی

مهم مانند همکاری،

رقابت و صمیمت

آموخته می‌شوند. در

چنین شرایطی نه تنها

یادگیری افزایش

می‌یابد بلکه رفتارهای

اجتماعی مناسب نیز رشد

می‌کند. ناتوانی در برقراری

رابطه مطلوب بین همسالان موجب طرد و عدم محبوبیت می‌شود. با توجه به اینکه حضور در گروه و ارتباط با همسالان در شکل‌گیری شخصیت و ایجاد الگوهای رفتاری و رشد اجتماعی کودک نقش مثبتی را مخصوصاً در دوران پیش از ورود به دبستان ایفا می‌کند، ارتباط با همسالان و شرکت در گروه‌های بازی و آموزشی برای رشد اجتماعی، پرورش استعدادها و کسب مهارت‌های ارتباطی در کودک مورد تأکید است (طهماسبیان، ۱۳۸۸).

واضح است که علاوه بر عوامل ژنتیکی، طیف گسترده‌ای از عوامل محیطی نقش بسزایی در آموزش و رشد همه جانبه کودکان دارند. خانواده، به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقش پایدار و تعیین کننده‌ای در رشد و آموزش کودکان بازی می‌کند. نحوه و ساختار تعامل کودک با دیگران و محیط اجتماعی در دوران بعدی تحت تأثیر رفتاری است که از محیط خانواده گرفته است. همچنین روش‌هایی که والدین و دیگر فرزندان خانواده در برخورد با کودکان اعمال می‌کنند، در شکل‌گیری شخصیت و رشد ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن‌ها تأثیر فراوان و گاه همیشگی دارد. از این‌رو، هر چه

کودکان در لایه‌ها و طبقات اجتماعی مرفه‌تری زندگی کنند، بر تقویت پرورش کلی شخصیت آن‌ها (کنش، علائق، رغبت، دانش، مهارت، نگرش و...) در زمینه‌های مختلف افزوده می‌شود؛ تا آنجا که بین رشد کلی کودکان و میزان سواد، اشتغال و بهره‌مندی آنان از امکانات اجتماعی و اقتصادی جامعه ارتباطی مستقیم وجود دارد. با توجه به این مسائل می‌توان ادعا کرد که محیط خانواده، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، نگرش والدین و بود و نبود خواهر و برادر خمیرمایه آموزش و رشد همه جانبه کودکان را در جامعه شکل می‌دهد.

با افزایش سن کودک به مرور از نقش خانواده‌ها کاسته و بر نقش کانون‌هایی از جمله مهدکودک، زمینه فرهنگی - اجتماعی، فعالیت بدنی و بازی کودکان و همچنین ارتباط کودک با همسالان بیش از پیش افزوده می‌شود. مهدکودک‌ها با تجهیزات کافی و مراقبت مناسب و همچنین یک روش آموزشی برای گروه سنی خاص، فرصت‌های بیشتری را برای رشد توانایی‌ها و شکوفایی استعدادهای نهفته کودکان فراهم می‌آورند. در مهدکودک‌ها اهمیت بازی در زندگی کودک آن‌چنان آشکار است که نیاز چندانی به استدلال ندارد. بازی نه فقط برای حرکت اندام‌های گوناگون، بدن، پرورش عضلات و صرف انرژی اضافی (که عدم مصرف آن حساسیت و عصبانیت در پی دارد) ضروری است بلکه موقعیت‌های مناسب را برای سنجش و توانایی‌های خود در اختیار کودک می‌گذارد و به وی می‌آموزد که چگونه میان واقعیت و تخیل تفاوت بگذارند. کودکان برای رسیدن به رشد اجتماعی مطلوب نیز باید با همسالان‌شان ارتباط مناسب برقرار کنند. همسالان می‌توانند از طریق الگوسازی و تعادل هم سطح با یکدیگر ارزش‌های اجتماعی را به همدیگر انتقال دهند و نقطه اتکایی برای یافتن استقلال و از بین بردن خودمداری ایجاد کنند. در این بین، والدین باید تسهیل کننده روابط بین همسالان باشند و موقعیت و شرایط ارتباط درست و صحیح فرزندان‌شان را با همسالان فراهم سازند.

منابع

۱. بخشانی، نورمحمد؛ «نقش خانواده در تربیت فرزندان»، ماهنامه ندای اسلام، سال یازدهم، شماره ۵۲-۵۳، ۱۳۸۹.
 ۲. تقی‌پورظهیر، علی؛ مقدمات برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، آگاه، تهران، ۱۳۷۲.
 ۳. دادستان، پریرخ؛ روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا نوجوانی (ج. دوم)، ژرف، تهران، ۱۳۷۹.
 ۴. سیف، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی رشد (۱)، سمت، تهران، ۱۳۷۹.
 ۵. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی پرورشی، آگاه، تهران، ۱۳۷۵.
 ۶. طهماسبیان، کارینه و مریم غلامرضایی؛ «بررسی رابطه خود اثرمندی و طرد همسالان در نوجوانان»؛ پژوهش‌های نوین روانشناختی، دوره ۲۱، شماره ۱۴، ۱۳۸۸.
 ۷. زارعی، احمدعلی و غلامی‌شیری، حمید؛ نقش مثبت‌نگری در افزایش سروتونین مؤثر در ایجاد تعادل عاطفی و نشاط و راهکارهای مؤثر در تقویت اندیشه مثبت، اولین دوره همایش شادابی و شادی، تهران، ۱۳۹۱.
 ۸. عسکریان، مصطفی؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، توس، تهران، ۱۳۷۱.
 ۹. عصار، علیرضا، کارکردهای فعلی آموزش و پرورش کشورمان در تربیت دینی، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۲، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲.
 ۱۰. فرجاد، محمدحسین؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، بدر، تهران، ۱۳۶۸.
- منابع لاتین در دفتر مجله موجود است.



ونیتاکول

دکتر فرخنده مفیدی

کلیدواژه‌ها: ونیتاکول، آموزش و پرورش پیش دبستانی

۵. نقاط قوت کودکان محروم، دهلی نو، ۱۹۸۴
۶. کاهش فقر، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۰
۷. تربیت معلمان پنج سال اول زندگی کودک، ۱۹۹۸
۸. رشد یکپارچه آموزش و پرورش در دوران اولیه، یونسکو، ۱۹۹۷
وی همچنین تحقیقات گسترده‌ای در زمینه ارزش‌یابی، بسته‌های آموزشی، مطالعه موردی و منتقدانه برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های آمادگی خواندن، نقد شروع قبل از موعد ریاضی و کارهای عددی به کودکان، مطالعه اثرات آموزش پیش‌دبستان بر آموزش‌های سال‌های اولیه رسمی و مقدماتی، و بالاخره مطالعات تطبیقی در زمینه شیوه‌های فرزندپروری مادران طبقات بالا و پایین در گروه‌های محروم اقتصادی و اجتماعی انجام داده است.

* کتاب شماره ۳ با عنوان «برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش‌دبستان» توسط دکتر فرخنده مفیدی، استاد دانشگاه علامه طباطبائی، ترجمه شده و به همت سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت) به چاپ رسیده است که هم‌اکنون چاپ چهارم آن در دسترس علاقه‌مندان و دانشگاه می‌باشد.

بی‌نوشت‌ها

1. Ambedkar
2. Allahabad
3. Lucknow

وی از مؤسسه فناوری هندوستان واقع در دهلی در سال ۱۹۸۱ با عنوان «قوت‌های کودکان محروم» متمرکز بود و توجه عمده‌اش به تفاوت‌های کودکان محروم و به «نقص‌ها و ضعف‌های» آنان بوده است. از آن به بعد تا به حال به‌طور عمده در رشته آموزش و پرورش کودکان پیش‌دبستانی و آموزش ابتدایی مشغول به کار است و اهم کارهای تحقیقی، مطالعاتی و نوشتاری وی در این دو رشته متمرکز است.

بعضی از علایق پژوهشی جاری وی عبارت‌اند از:

- برنامه درسی آموزش اولیه
- تربیت معلم و تجارب و دیدگاه‌های معلمان
- شیوه‌های والدین و رشد کودکان
- رشد و پرورش ارتباط و ابزار کودکان
- چالش‌های گذر در مراحل مقدماتی آموزش و پرورش.

کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. دستیابی به کودک، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۴
۲. سال‌های مقدماتی، دهلی نو، ۱۹۸۰
۳. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش‌دبستان، دهلی نو، ۲۰۱۰-۱۹۹۴
۴. آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی، دهلی نو

پرفسور ونیتاکول، مدیر مرکز آموزش و پرورش کودکان در سال‌های اولیه در دانشگاه آمبدکار^۱ واقع در شهر دهلی کشور هندوستان است.

او دارای درجه دکتری در روان‌شناسی از مؤسسه هندی فناوری واقع در دهلی است. ونیتاکول موفق به دریافت مدال طلا برای کسب اولین پست در دانشکده هنر در همه برنامه‌های ارشد دانشگاه الله‌آباد^۲ شده است. او در حال حاضر رئیس بخش مطالعات آموزش و پرورش و نیز مرکز رشد و آموزش‌های دوران اولیه کودکی واقع در دانشگاه آمبدکار است. ونیتاکول تحقیقات و پروژه‌های بسیاری را در سطح آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی هدایت کرده و به انجام رسانده است. از تحقیقات مهمی که به تازگی در حال انجام آن است مطالعه‌ای طولانی و مدت‌دار در مورد آثار کوتاه و میان‌مدت پراکندگی کیفیت در آموزش و پرورش پیش‌دبستانی (E.C.E) بر بازدهی دوره ابتدایی و مقدماتی آموزش است.

سابقه آموزشی و علایق پژوهشی ونیتاکول

دکتر ونیتاکول درجه لیسانس را از دانشگاه لوک‌ناو^۳ و درجه ارشد را در رشته روان‌شناسی از دانشگاه الله‌آباد اخذ کرده که در اینجا به خاطر کسب اولین پست هیئت علمی در دانشکده هنرها موفق به اخذ مدال طلا شد. دکترای

میکروب‌ها و کودکان

نقش والدین و بزرگ‌ترها در آموزش کودکان چیست؟

دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی

تنها بعضی از آن‌ها ما را می‌توانند مریض کنند. ضمناً باید به آن‌ها آموزش داد که بعضی از میکروب‌ها به سرعت انتشار می‌یابند و با شستن دست‌ها و رعایت بهداشت فردی به آن‌ها فرصت نمی‌دهیم تا آثار مخرب خود را باقی بگذارند. به این ترتیب، ضمن دور کردن آن‌ها محیط خود را نیز ایمن می‌سازیم. نکته مهم این است که کودک بداند چه کارهایی برای بدن خود می‌تواند انجام دهد تا به جای تمرکز بر میکروب‌ها و نگرانی درباره مشکلاتی که پدید می‌آورند، سالم و تندرست بماند و خود را از شر آن‌ها حفظ کند.

● آموزش به کودکان درباره میکروب‌ها را با بازی و تفریح همراه کنیم

کسب اطلاعات درباره مواظبت از تن و بدن باید برای کودکان تفریح تلقی شود نه کاری شاق و تکلیفی سخت و نگران‌کننده. به همین منظور، در زیر به ایده‌هایی خلاق در این باره اشاره می‌شود.

- از بازی‌های نمایشی، وانمودسازی و شبیه‌سازی استفاده کنید. به این ترتیب که شما یا یکی از دوستان کودک در نقش میکروب و یا عامل بیماری‌زا ظاهر شود. در این صورت از عدسی‌ها و ذره‌بین‌های بزرگ نمایشی برای بررسی کردن دست‌ها و دندان‌های کودکان استفاده کنید. حتی می‌توانید به کودک نقشی سری بدهید و از او بخواهید که برای مبارزه با میکروب، دست‌ها و یا دندان‌هایش را تمیز کند.

- کودکان از طریق شنیدن قصه و انجام نمایش خلاق می‌توانند وجود میکروب و

میکروب‌ها

بسیار حائز اهمیت است که آرام‌آرام و به سادگی مفهوم میکروب‌ها را به کودکان این سنین توضیح دهیم. به گونه‌ای که از وجود آن‌ها در بدن و حتی اطراف خودشان احساس ترس و وحشت و نگرانی پیدا نکنند. مسلم است که هرگونه آموزش و القای درک درست از این مفهوم باید به شیوه‌ای صورت گیرد که کودک را از دست زدن به اشیاء، بازی کردن با وسایل، یا غلتیدن روی چمن‌ها، بازی با گل و شن و خمیر و غیره باز ندارد. بلکه این احساس را پیدا کند که اگرچه ممکن است موجوداتی ریز، آزاددهنده و یا بیماری‌زا در اطراف ما باشند، با رعایت بهداشت می‌توان از تأثیرات نامطلوب و بیماری‌زای آن‌ها کاست یا جلوگیری کرد. مهم این است که کودک بداند می‌شود با این موجودات به روش درست مبارزه کند. ضمناً بداند که بعضی از میکروب‌ها نیز چندان بیماری‌زا نیستند و به آسانی نمی‌توانند ما را مریض کنند و گاه نیز وجودشان می‌تواند لازم باشد. یادگیری درباره خطرناک‌ترین آلودگی‌ها هم باید به درستی صورت گیرد. مسلم است که شما می‌خواهید به کودکان‌تان احساسی بدهید که آزادانه و راحت و بدون ترس با گل و خمیر بازی کنند، حشره‌ای را با دست بگیرند و بدون نگرانی به اشیاء محیط اطراف دست بزنند و با وسایل بازی کنند و یا بستنی خود را لیس بزنند و غیره. بنابراین، باید یاد بگیرند که همه میکروب‌ها لزوماً بد نیستند و

مقدمه

بسیار می‌شنویم که به کودکان گفته می‌شود «این ماده میکروب دارد» یا «به این دست زن، آلوده است و مریض می‌شوی» و یا «میکروب‌ها باعث بیماری و حتی مرگ می‌شوند». سؤال عمده این است که آیا کودکان سنین پیش‌دبستانی که در مرحله حسی- حرکتی (تا ۲ سال) و نیز در مرحله پیش‌عملیاتی (۲-۷ سال) هستند درک درستی از مفهوم میکروب و عامل بیماری‌زا دارند؟ همان‌گونه که می‌دانیم کودکان این سنین بسیار مادی‌گرا هستند و هرچه را ببینند باور می‌کنند. پس میکروب‌ها را که با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شوند، چگونه باید به کودکان معرفی کرد تا درک درستی از آن‌ها پیدا کنند؟

کلیدواژه‌ها: میکروب‌ها، عادات بهداشتی، عوامل بیماری‌زا.

زدودن آن را در بازی‌ها تجربه کنند.

- به کودک یک عروسک پلاستیکی، حیوان اسباب‌بازی وی یا شیئی دیگر بدهید تا با استفاده از صابون آن را تمیز کند.

- موضوع بعضی از کتاب‌های مورد علاقه کودکان را به نمایش درآورید؛ مثل کتاب «حسنی نگو یک دسته گل» تا کودکان با اجرای نقش‌ها فرق تمیزی و کثیفی را درک کنند.

- به هنگام خرید از فروشگاه و بازار، به کودکان اجازه دهید تا به اختیار خود صابون‌هایی به شکل‌ها و رنگ‌های مختلف، مسواک‌هایی با طرح‌های دلخواه خود و یا شانه‌هایی به سلیقه خود انتخاب کند و از آن‌ها استفاده نماید. مثل صابون‌هایی به شکل حیوانات و یا صابون‌های تولیدکننده حباب رنگی و غیره.

مطمئناً وقتی کودک به‌طور مستقل و به سلیقه خود وسیله‌ای بهداشتی را انتخاب کند، نسبت به رعایت دستورات بهداشتی در فرایند سلامتی و مبارزه با آلودگی‌ها

احساس

تعهد و مسئولیت بیشتری می‌کند.

- در حمام و دستشویی از عروسک‌ها به عنوان «دستیار» کودک می‌توانید استفاده کنید. در این صورت، به هنگام ورود کودک به خانه، یا بعد از بازی با وسایل، غذا خوردن و مواردی دیگر، این «دستیار» با صدای عروسکی و خنده‌دار به او تذکرات بهداشتی خواهد داد.

تذکر به وسیله عروسک بیشتر از نوزدن و غرولند والدین مؤثر است و نتایج متفاوتی دارد.

- به کودکان آموزش دهید تا قسمت‌های مختلف بدن خود را در حمام شست‌وشو دهد. دندان‌ها، موها، دست‌ها، پاها، سر و صورت و...

- می‌توانید یک چک‌لیست با عنوان «نمودار بررسی بدنی» را در جایی از ورودی دستشویی و حمام نصب کنید تا کودک روی آن علامت بزند که چه

قسمت‌هایی را تمیز کرده است.

در نهایت، معرفی عادت‌های بهداشتی خوب و آموزش آن به کودکان خردسال و پیش‌دبستانی بهترین راه دفاع و مبارزه با میکروب‌هایی است که به‌طور معمول در محیط اطراف زندگی می‌کنند. سعی کنید از مثال‌ها و بازی‌های خلاق و جذاب برای سرمشق‌دهی و الگوگیری در این باره استفاده کنید. تنها در این صورت است که می‌توانید بدون وسواس، ناراحتی و نگرانی آموزش درستی به کودکان بدهید و کودکی سالم، خوشحال و تمیز داشته باشید.

منبع

<http://www.education.com/magazine/article/preschool-hygiene>



والدین و بزرگ‌ترها بدون نگرانی می‌توانند درباره وجود میکروب‌ها و نحوه مبارزه با آن‌ها به کودکان آموزش دهند

ترویج کتاب خوانی در مراکز پیش دبستانی؛ راهکارها و چالش‌ها

سیده فریبا شجاع‌الساداتی، دانشجوی کارشناسی ارشد پیش دبستانی، دانشگاه علامه طباطبائی
مهین سیفی، دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌درسی، دانشگاه شهید مدنی تبریز

چکیده

کودکانی که هر روز مطالعه می‌کنند و یا با کتاب ارتباط برقرار می‌کنند، از لحاظ شخصیتی با کودکانی که مطالعه نداشته‌اند تفاوت دارند. اعتماد به نفس و استقلال بیشتر، داشتن دایره لغات وسیع‌تر و قدرت حل مسئله از جمله این تفاوت‌هاست. مطالعه حاضر توصیفی - کاربردی می‌باشد که هدف آن بررسی راهکارها و چالش‌های ترویج کتاب خوانی در مراکز پیش دبستانی و مهدکودک‌هاست.

کلیدواژه‌ها: کودکان پیش دبستانی، ترویج کتاب خوانی، مراکز پیش دبستانی، مربی، کتاب

مقدمه

بسیار شنیده‌ایم که «عادت به مطالعه، باید از دوران کودکی آغاز شود» زیرا مغز کودکان پیش دبستانی آماده پذیرش می‌باشد و نهادینه کردن عادات در آن‌ها راحت‌تر است. پایه‌های اساسی آماده‌سازی خواندن و مطالعه در دوران اولیه کودکی و زیر شش سال است. کودکی که به مطالعه می‌پردازد، قدرت تفکر و تخیل قوی دارد. او در کتاب‌ها با سرزمین‌ها و دوران‌های مختلف تاریخی و همچنین با علوم و هنرهای جدید آشنا می‌شود. شخصیت‌های داستان‌ها جزئی از دنیای واقعی او محسوب می‌شوند و او درباره قهرمان‌های داستان‌ها خواب می‌بیند و در خیال پردازی‌هایش مسائل و مشکلات آن‌ها را حل می‌کند. کودکانی که در کلاس اول ابتدایی به راحتی خواندن را می‌آموزند، معمولاً کسانی هستند که در دوره پیش دبستانی در خانه یا مهدکودک مطالعه را آغاز کرده‌اند و برایشان کتاب خوانده شده است. آغاز مدرسه رفتن، آغاز علاقه به کتاب و مطالعه نیست. آغاز یادگیری الفبا نیز آغاز یادگیری و انس با کتاب نیست و این فرایند زودتر شکل می‌گیرد. (مفیدی، ۱۳۹۲)

خواندن در حقیقت قلب تپنده موفقیت‌های تحصیلی است. خواننده‌های بهتر در هنگام مواجهه با مسائل روزمره زندگی از رویکرد حل مسئله بهره می‌جویند و موفقیت‌های



بیشتری در موضوعات آموزشی به دست می‌آورند. تحقیقات سی سال گذشته نشان داده است که ایجاد علاقه به مطالعه در کودکان به رشد اجتماعی و احساسی‌شان منجر خواهد شد و آن‌ها را در بزرگسالی از ۸۰ درصد آسیب‌های اجتماعی دور خواهد کرد (مفیدی، ۱۳۹۲). کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در کشور ما گام‌های مؤثری در ترویج کتاب‌خوانی برداشته است. از جمله تولید کتاب و فیلم، فعالیت‌های فرهنگی و هنری متنوع و جذاب برای کودکان و برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌های ترویج کتاب‌خوانی که هر ساله در کانون برگزار می‌شود. **فهیمة باب الحوائجی** در تحقیقی به تحلیل محتوای مقالات «ترویج کتاب‌خوانی و کتابخانه‌های کودکان» پرداخته و به فقدان آثار پژوهشی در این زمینه اشاره کرده است.

این تحقیق از زاویه‌ای جدید به موضوع می‌نگرد و آن بررسی راهکارها و چالش‌هایی است که در مراکز پیش‌دستانی کشور ما برای ترویج کتاب‌خوانی و مطالعه وجود دارد. هدف محقق از این مطالعه ارائه راهکارهایی مطلوب برای این امر مهم و بررسی موانع آن بوده است.

راهکارهای ترویج کتاب‌خوانی در مراکز پیش‌دستانی

● با او و همراه او کتاب بخوانید. با توجه به اینکه مدت توجه کودکان کوتاه مدت و حدود ده تا پانزده دقیقه است، مربیان بایستی روزانه فرصت‌های لذت‌بخش کتاب‌خوانی را برای کودکان به مدت کوتاهی فراهم آورند. به جای اینکه برای کودک کتاب بخوانید، با او و همراه او کتاب بخوانید. این کار مربی را بجای یک فرد بزرگ‌تر به یک رفیق و شریک تبدیل می‌کند (Blatchford, 2003). همیشه کتاب‌هایی را انتخاب کنید که خواندن آن‌ها با صدای بلند برای شما و کودکان

لذت‌بخش است. مربیان در این روش می‌توانند از کارت‌های قصه‌گویی انتشارات مدرسه استفاده کنند. با صدای بلند و گویا برای بچه‌ها کتاب بخوانید و حتماً از تغییر صدا و لحن هنگام خواندن استفاده کنید.

● خواندن را با بازی و سرگرمی توأم کنید. (Blatchford, 2003). از جمله:

بازی کتاب‌خوانی و گره‌زدن
بازی مشاعره و کلمات آهنگین
بازی انعکاس صدا و ده‌ها بازی خلاق کتاب‌سازی

نقاشی و خواندن
اجرای تئاتر براساس داستان
نمایش فیلم یا کارتون مربوط به کتاب کودک (کتاب فیلم).

● از کودکان بخواهید تصاویر یک کتاب را تفسیر و توصیف کنند. کودکان از تخیل قوی و تفکر آزادی برخوردارند. به آن‌ها اجازه دهید تصاویر کتاب را براساس قدرت تخیل و دایره واژگانشان توصیف کنند. مربیان می‌توانند برای این کار از کودکان بخواهند که کتاب داستان مورد علاقه خود را از خانه بیاورند و تصاویر آن را برای کودکان دیگر کلاس شرح دهند. روش دوم آن است که مربیان از بچه‌ها بخواهند که ماهنامه، مجله یا نشریه مورد علاقه خود را به کلاس بیاورند و تصویری به دلخواه خود از آن مجله یا نشریه انتخاب کنند و آن را برای بچه‌های دیگر توصیف کنند و شرح دهند.

● کتابخانه‌ای اختصاصی برای کودکان در مهدکودک یا کلاس داشته باشید. در ساختمان مهدکودک فضایی خوشایند و جذاب را برای کتابخانه کودکان در نظر بگیرید و کتابخانه مهدکودک را

براساس استانداردهای تعریف شده برای کتابخانه مختص کودکان تأسیس کنید. در صورت نبود امکانات لازم برای ایجاد کتابخانه، قفسه‌ای از کتاب مناسب با قد کودکان با در نظر گرفتن مسائل ایمنی در داخل کلاس قرار دهید تا کودکان با کتاب‌ها، مجله‌های مناسب، کارت‌های قصه‌گویی و کتاب‌های دست‌ساز خودشان در ارتباط باشند. فعالیت‌های گوناگونی برای آشنایی کودکان با کتابخانه و شیوه‌های بهره‌گیری از آن برای کودکان پیش‌دستانی ترتیب دهید. (بختیاری، ۱۳۹۱).

● کودکان را با خود به کتابفروشی‌ها ببرید.

کودکان را با همکاری و مشارکت والدین به کتابفروشی محله خود ببرید و به کودکان اجازه دهید که کتاب دلخواه خود را انتخاب کنند و در صورت امکان حتی هزینه‌اش را با دستان خود پرداخت کنند. کودکان با این کار احساس عزت‌نفس و استقلال می‌کنند و به کتاب‌خوانی بیشتر گرایش نشان می‌دهند. در این جریان، آن‌ها با مسائلی همچون نحوه خرید کردن، هزینه، قیمت و انواع پول (اسکناس و سکه‌های کشور خود)، نیز آشنا می‌شوند.

● در مراکز پیش‌دستانی مسابقات کتاب‌خوانی برگزار کنید.

هر ماه در تاریخ‌های معینی مسابقات داستان‌سرایی شفاهی در کلاس یا در پیش‌دستان برگزار کنید، در ابتدای مسابقه تصاویر چند واژه کلیدی را به تخته بچسبانید و از بچه‌ها بخواهید با استفاده از آن‌ها داستان‌سرایی کنند. به تمامی کودکانی که یک داستان کامل را نقل کردند، جایزه بدهید. با برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی در داخل کلاس و

شده برای ایجاد کتابخانه‌های مختص کودکان

- نداشتن الگوی مناسب کتاب‌خوانی و مطالعه برای کودکان (Sharon s, 2009).

نتیجه‌گیری

امروزه توجه به کتاب و کتاب‌خوانی نشانگر رشد فرهنگی و ملی هر کشور است. بنابراین، گسترش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی غیردرسی در بین کودکان و نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کودکان بیش از پیش نیاز دارند با این ابزار بی‌رقیب فرهنگی خو بگیرند تا برای رویارویی با مسائل شخصی و محیطی دنیای مدرن مجهز شوند. پس، تلاش برای ایجاد عادات کتاب‌خوانی و مطالعه در کودکان باید از مراکز پیش‌دبستانی آغاز شود و به‌صورت مستمر تا بزرگسالی ادامه داشته باشد (کاربخش، ۱۳۸۲). مسئولان، مربیان و مدیران مراکز پیش‌دبستانی بایستی درباره این امر مهم آموزش‌ها و مهارت‌های لازم را داشته باشند تا کودکان این سرزمین را که نخبگان فردای ما هستند به این ابزار قوی فرهنگی مجهز کنند.

منابع

۱. بختیاری، فاطمه؛ کتاب‌خانه مهدکودک، کتابدار، تهران، ۱۳۹۱.
۲. بیات، آزاده؛ کتاب - اسباب‌بازی، چهارباغ، تهران، ۱۳۹۲.
۳. طالی، مهناز (۱۳۸۷). «لذت مطالعه کودک»، نشریه کودک، شماره ۳۶، صفحات ۱۷-۱۶.
۴. نانسی، لاریک؛ چگونه بچه‌هایمان را به مطالعه تشویق کنیم. مترجم مهین محتاج، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۶.
۵. یغمایی، جواد؛ کودک و مطالعه، کتابدار، تهران، ۱۳۸۳.
۶. مفیدی، فرخنده؛ ترویج کتاب‌خوانی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۹۲.
7. Esme Raji Codell (2003). How to Get Your Child to Love Reading. New York: Workman
8. E. D. Hirsch Kr (2008). What Your Pre-schooler Needs to Know. United states: bantam
9. Blachford, Roy (2003). Encouraging young readers. England: Letts Educational
10. Sharon S. McKool. (2009). Does Johnny,s reading teacher love to read? Literacy research and insuction. vol 48. 3. p. 264



- نداشتن سوابق تحصیلی مرتبط (علوم تربیتی - گرایش پیش‌دبستانی) مدیران و مربیان مراکز پیش‌دبستانی

- نداشتن فضای مناسب برای ایجاد کتابخانه مختص کودکان با استانداردهای تعریف شده در مراکز پیش‌دبستانی و در دسترس قرار نداشتن موارد خواندنی مناسب سن کودکان مانند کتاب، مجله و نشریه که همگی از لوازم مهم هر مرکز آموزشی هستند که کودکان را دعوت به خواندن می‌کنند (Codell, 2003).

- نداشتن امکانات مالی مدیران برای ایجاد کتاب‌خانه‌های مختص کودکان - نداشتن مهارت‌ها و آموزش‌های لازم مدیران و مربیان در مورد روش‌های ترویج کتاب‌خوانی (قصه‌گویی، نمایش خلاق، داستان‌سرایی، کتاب‌سازی، بازی‌های خواندن)

- محدود کردن کتاب‌خوانی کودکان فقط به کتاب‌های درسی کسل‌کننده و گاهی خارج از ظرفیت شناختی کودک - عدم شناخت کافی از توانایی‌ها و رشد شناختی و عاطفی و ظرفیت‌های کودکان - بهره نبردن از کتاب‌های تصویری مناسب برای سن کودکان و کتاب - اسباب‌بازی (pop-up) (بیات، ۱۳۹۲). - رعایت نکردن استانداردهای تعریف

مهدکودک آن‌ها را بیشتر به کتاب‌خوانی تشویق می‌کنید. سعی کنید جایزه‌هایی را به کتاب‌خوان‌های ماهر اختصاص دهید که باعث دلگرمی هر چه بیشتر آن‌ها شود و کودکان را در ادامه راه تشویق کند.

● نمایشگاه‌های کتاب در مراکز پیش‌دبستانی برگزار کنید.

- در تاریخ‌های معین سال نمایشگاه‌های کتاب در پیش‌دبستان برگزار کنید و در این نمایشگاه‌ها کتاب‌های دست‌ساز کودکان را نیز همراه سایر کتاب‌ها در معرض نمایش بگذارید.

- در مدت‌برپایی نمایشگاه‌ها با همکاری والدین و کودکان به فعالیت‌های فرهنگی - هنری دیگری همچون سرودخوانی، نمایش خلاق، داستان‌سرایی، قصه‌گویی، نمایش (کتاب فیلم) و کتاب‌خوانی با صدای بلند بپردازید.

- کارگاه‌های آموزشی «قصه‌گویی و ترویج کتاب‌خوانی در خانه» برای والدین برگزار کنید و بدین طریق اهداف خانه و پیش‌دبستان را در یک مسیر قرار دهید.

● موانع، چالش‌ها و محدودیت‌های ترویج کتاب‌خوانی در مراکز پیش‌دبستانی



سمانه جلالی

مربی پیش دبستانی شهدای منطقه ۵ تهران

جمله سازی بدون نوشتن

حدود هشت سال پیش طرحی در دوره پیش دبستانی با نام «مکتب القرآن» اجرا می شد. در این طرح صدای حروف به صورت شنیداری و از طریق لوحه هایی که شکل هایی از آن صدا در تصاویر آن وجود داشت، آموزش داده می شد. در نهایت بچه ها می توانستند سوره های قرآن را از رو بخوانند. نکته جالبی که استادان در این کلاس ها بر آن تأکید داشتند این بود که نوآموزان باید نام آنچه را در تصویرها می دیدند، به صورت درست بیان کنند و اگر درست نمی گفتند، مربی باید راهنمایی شان می کرد؛ مثلاً «نان»، نه «نون» و «چای»، نه «چایی». امسال که این طرح اجرا نشد، نیاز بیشتری به آن احساس کردم، چون می دیدم که بچه ها هنگام صحبت کردن چقدر از زبان فارسی درست دور می شوند. یک روز در حال جدول حل کردن به این فکر افتادم که حل جدول را به صورت ساده تر در کلاس انجام بدهم یا بچه ها جمله ها را کامل کنند و یا بازی «غلطه آی غلطه» را در کلاس اجرا کنیم. با یکی از همکارانم در پایه اول در این مورد مشورت کردم و ایشان راهنمایی های خوبی به من کردند که در سال آینده دانش آموزان دچار مشکل نشوند.

بعد از راهنمایی همکارم این فعالیت را در کلاس انجام دادم. ابتدا در کلاس جمله ها را بدون فعل می گفتم و نوآموزان فعل درست را بیان می کردند. برای آن ها هم بسیار جذاب بود؛ چون ابتدا از خصوصیت های خوب خودشان شروع کردم. درباره هر کودک جمله ای ناقص می گفتم و همه بچه ها آن را کامل می کردند. بعد نوبت به جملاتی در مورد کلاس و حیاط مدرسه و... رسید. به مرور زمان این فعالیت گسترده تر شد. در حال حاضر جمله سازی شفاهی را با این هدف که بچه ها کلمات را درست بیان کنند، انجام می دهیم. برای مثال، من کلمه ای را که برای بچه ها جذابیت هم داشته باشد، می گویم؛ مثلاً «طوطی» در واحد کار علوم، پرندگان. بعد خود بچه ها جمله های جالبی از اطلاعاتی که درباره این حیوان دارند بیان می کنند. مثال: طوطی بال های رنگارنگ دارد. طوطی پرنده است. طوطی تخم می گذارد و... همین کار را برای واحد کارهای دیگر مانند ریاضی و مهارت های زندگی انجام می دهیم و بارش های فکری جالبی در کلاس داریم. من هم سعی می کنم جملات غلط را اصلاح کنم. جمله های خوب را هم بلند تکرار می کنم تا همه نوآموزان آن ها را بشنوند و متوجه آن ها بشوند. امیدوارم این فعالیت کلاس برای آینده نوآموزان مفید باشد.

فیتله عید تعطیله و مدرسه موش‌ها

تحلیل دوبرنامه کودک سیما

فریبار استگو

اشاره

نوع نگرش به کودک در قرن جدید با آنچه در اعصار گذشته بوده، بسیار متفاوت است. شناخت کودک و نیازهایش موضوع بحث بسیاری از صاحب‌نظران، نهادها، ارگان‌ها و سازمان‌هایی است که به‌نحوی دخیل در موضوع‌اند. در این میان، رسانه ملی نقشی بسیار تأثیرگذار ایفا می‌کند. با ساخته شدن فیلم‌ها و کارتون‌های گوناگون توسط افرادی از کشورهای مختلف دنیا هر روز اثر جدیدی وارد دنیای کودکان و معصوم فرزندان ما می‌شود. آثاری که گاه با فرهنگ ملی / قومی / دینی ما در تضادند. از سوی دیگر، تأثیرپذیری بی‌چون و چرای کودکان از آنچه در فیلم‌ها و کارتون‌ها می‌بینند، رسالت برنامه‌سازان رسانه ملی را در بخش کودک پررنگ‌تر می‌کند. این عزیزان از یک طرف باید بتوانند جواب‌گوی این نیاز بالا برای پرکردن ساعات فراغت کودکان باشند و از طرفی در جهت غنای برنامه‌ها و تناسب آن با اهداف عالی دینی و فرهنگی و قومی ایرانی تلاش کنند. عزیزان برنامه‌ساز با تلاش پیگیر خود در صدد غنا بخشیدن به محتوای برنامه‌های خود جهت مرتفع کردن نیازهای تعریف شده برای کودکان هستند و این تلاش مستمر بسیار ستودنی است ولی همواره لازم است برنامه‌های ساخته شده مورد نقد و بررسی کارشناسانه قرار گیرند تا با اهداف عالی‌ای که سازندگان آن‌ها داشته‌اند، تطبیق بیشتری حاصل کنند.

آنچه در ادامه به حضورتان ارائه می‌شود، نگاهی به دو برنامه کودک است؛ یکی متعلق به زمان کنونی و دیگر به دهه‌های پیشین. به امید آنکه والدین ما به آنچه کودکانشان می‌بینند، توجه بیشتری مبذول دارند.

کلیدواژه‌ها: برنامه کودک، رسانه، تلویزیون، نمایش

نام برنامه: فیتله عید تعطیله

موضوع برنامه: تلویزیون

نوع برنامه: نمایشی

تاریخ زمان نمایش: ۹۲/۱/۳ (ساعت ۱۰ صبح)



اهداف برنامه

۱. آشنایی با رسانه‌ها
۲. چگونگی استفاده از تلویزیون
۳. موارد کاربرد تلویزیون
۴. نحوه نگهداری از تلویزیون

گزارش توصیفی

این برنامه در قالب نمایش با موضوع و متن از قبل تعیین شده به حالت زنده در صحنه پخش می‌شود. تعداد بازیگران آن سه نفر است. آن‌ها با توجه به اهداف و متن اصلی اجازه دارند از خلاقیت‌های خود در اجرا بهره ببرند (این نکته مثبتی برای این برنامه بود).

این نمایشنامه دربارهٔ چند «ایکینگ» است که با ماشین زمان به آینده‌ای دور وارد شده‌اند و اکنون در کنار مخترعی زندگی می‌کنند که به اجبار باید آن‌ها را با فناوری‌های جدید آشنا کند. داستان بخش مورد نظر از این مجموعه دربارهٔ تلویزیون است که وایکینگ‌ها تاکنون آن را ندیده‌اند و نحوه استفاده از آن را نمی‌دانند. آقای مخترع به آن‌ها می‌گوید که نام این وسیله تلویزیون است و از آن‌ها می‌خواهد که با تماشای آن خود را مشغول کنند. در ابتدا، چون وایکینگ‌ها نحوه روشن کردن تلویزیون را بلد نیستند، صدماتی به دستگاه وارد می‌کنند. بعد از روشن شدن تلویزیون، وایکینگ‌ها تصاویر پخش شده از کانال‌های مختلف را واقعی می‌پندارند و گاهی به واکنش‌های اغراق آمیزی دست می‌زنند.

نویسندهٔ این نمایش با نوشتن این جزئیات توانسته است برداشت‌های اشتباه کودکان دربارهٔ وسایل مختلف موجود را در قالبی مبالغه‌آمیز ولی جذاب برای کودکان مطرح کند. در این میان، مواردی که بچه‌ها هنگام استفاده از تلویزیون باید بدانند و به کار بندند به آن‌ها ارائه می‌شود.

روش اجرا

روش اجرا به صورت نمایش است که با توجه به پخش مستقیم آن گاهی به دلیل اتفاقاتی که از قبل پیش‌بینی نشده است، صورت خلاق نیز به خود می‌گیرد.

ابزار مورد استفاده

وسایل استفاده شده در صحنه نمایش: «ماکت تلویزیون، میز و صندلی، لباس مناسب وایکینگ‌ها»

گزارش تحلیلی (موارد مثبت و منفی)

گزارش تحلیلی

عموهای فیتیله‌ای سال‌هاست برای کودکان برنامه اجرا

می‌کنند و باید اعتراف کرد که در کار خود تا حدود بسیار زیادی موفق بوده‌اند. موارد مثبت موجود در کار آن‌ها در مقابل موارد منفی کارشان بسیار بیشتر است. اما شاید بتوان دو ایراد کلی به برنامه آن‌ها وارد دانست:

۱. گم شدن ردهٔ سنی مخاطبان واقعی برنامه
۲. پوشش این برنامه در تمام مناسبت‌های مذهبی و ملی که دست‌اندرکاران ساخت برنامه را دچار تضادی بسیار نمایان می‌سازد.

دربارهٔ اشکال اول باید گفت ما نمی‌توانیم یک برنامه را برای تمام مخاطبان در همهٔ گروه‌های سنی در نظر بگیریم. مسلماً یک برنامهٔ کودک قوی می‌تواند همهٔ اعضای خانواده را هم پای تلویزیون بنشاند اما وظیفه ندارد برای همهٔ آن‌ها خوراک فکری تهیه کند. درک و فهم کودک هفت ساله بسیار متفاوت با یک کودک دوازده ساله است. هر چه این بازه را بزرگ‌تر بگیریم، آش ما «شله قلمکارتر» می‌شود (این ایراد به سری جدید برنامه فیتیله بیشتر وارد است).

اما اشکال دوم؛ مناسبات موجود در محدودهٔ برنامه گاه به ردهٔ سنی مخاطب این برنامه ربطی ندارد و یا اینکه مناسبت موجود فضایی که طرح آن می‌طلبید، با ساختار و فضای برنامه منافاتی روشن دارد. بنابراین، نباید تنها به علت پوشش این برنامه در این ایام خاص هم حرمت مناسبت‌ها را از بین ببریم و هم اینکه مجبور به اجرای برنامه‌ای شویم که به هیچ عنوان با کاراکترهای برنامه متناسبی ندارد.

در اینجا ما یکی از نمایش‌های اجرا شده در برنامهٔ فیتیله را با موضوع «تلویزیون» مورد بررسی قرار داده‌ایم.

آنچه امروزه برای تمامی دست‌اندرکاران کار با کودک مسلم شده این است که تنها زمانی یادگیری معنی‌دار در کودک صورت می‌گیرد که موضوع یادگیری نوعی نیاز یا رغبت را در او برانگیزد. تلویزیون به عنوان یکی از اختراعات قرن حاضر جایگاهی مهم در بین خانواده‌ها پیدا کرده و شاید دیگر به یکی از اعضای خانواده بدل شده است. ساعاتی که کودکان ما پای آن می‌نشینند و از آن یاد می‌گیرند و بهتر بگوییم تأثیر می‌پذیرند، بسیار بیشتر از زمانی است که با پدر و مادر و مربیان خویش و حتی گروه همسالانشان سپری می‌کنند. پس، این جعبهٔ جادویی را نباید دست کم گرفت.

در این برنامه، عموهای فیتیله‌ای سعی می‌کنند با پرداختی کاملاً متفاوت، بار دیگر تذکراتی را که همواره برای تماشای تلویزیون به کودکان داده می‌شود، به آنان بدهند اما این بار دیگر گوش دادن به این تذکرات برای کودکان ملالت‌بار نیست و مسلماً بسیار تأثیرگذارتر از توصیه‌های تکراری قبلی است؛ هر چند هیچ مضمون جدیدی ندارد. این توصیه‌ها به محورهای زیر اشاره دارند:

نام برنامه: مدرسهٔ موش‌ها
موضوع برنامه: پر خوری
نوع برنامه: نمایش عروسکی
زمان نمایش: دههٔ ۶۰ تا ۷۰

اهداف برنامه

۱. آشنایی کودک با مضرات پر خوری
۲. آموزش عادت‌های غذایی مناسب در کودکان
۳. آموزش رعایت نکات بهداشتی در هنگام غذا خوردن
۴. آشنایی کودک با مواد غذایی مفید

گزارش توصیفی

کودکی نسل ما، یعنی کسانی که در دهه‌های ۶۰ تا میانهٔ دههٔ ۷۰ کودک و نوجوان بوده‌اند، در میان صدای آژیر خطر و خاموشی‌های پی‌درپی و زیر نور چراغ قوه در پناهگاه گذشت اما آنچه از آن روزها به یادمان ماند، حرف‌های دوست‌داشتنی «کپل» و «دم‌باریک» و شیطنتهای «گوش‌دراز» و جیغ‌های «نارنجی» بود. «مدرسهٔ موش‌ها» نمایشی عروسکی بود و شخصیت‌های اصلی‌اش موش‌هایی بودند که در کلاسی همراه معلم خود درس می‌خواندند. پایهٔ شخصیتی هر کاراکتر این نمایش براساس یک ویژگی بارز مثبت یا منفی طرح‌ریزی شده بود. آنچه هر روز در کلاس درس رخ می‌داد وقایع زندگی بود که کودک باید با آن‌ها مواجه می‌شد، نحوهٔ برخورد با آن‌ها را می‌آموخت و درباره‌شان آگاهی کسب می‌کرد. دقیقاً به خاطر دارم یکی از قسمت‌های این مجموعه به موضوع پر خوری، که شخصیت مخصوص به خود و ثابتی هم در مجموعه داشت، اختصاص داشت. در آن روز «کپل» به علت پر خوری زیاد مریض شده بود و دلش درد می‌کرد. اتفاق‌های قصهٔ آن روز طوری چیده شده بودند که

- نحوهٔ صحیح خاموش و روشن کردن تلویزیون.
 - ساعتی که کودک می‌تواند در طول روز به تماشای تلویزیون اختصاص دهد.
 - گزینشی که باید برای دیدن برنامه‌های مناسب سنش به کمک بزرگ‌ترها انجام دهد.
 - فاصله‌ای که باید در هنگام تماشای تلویزیون با آن داشته باشد که به چشم‌هایش آسیب نرسد.
 و ده‌ها توصیهٔ دیگر که بارها و بارها از بزرگ‌ترها شنیده و فراموش کرده است اما این بار با لذت و شادی همراه شده‌اند، انتظار می‌رود که تأثیرشان پایدارتر باشد.

موارد مثبت

- **گروه اجرایی و نمایشی:** ساختار و فیزیک بدنی، صدا، چهره، چابکی، قابلیت‌های استفاده از لهجه و گویش‌های محلی (بدون توهین به قومیت‌ها)، صدای مناسب برای خواندن اشعار و سرودها.
- **گروه نویسندگان:** آشنایی با کودک و نوجوان قرن بیست و یکم، استفاده از شخصیت‌های محبوب کودکان در نمایش‌ها، انتقال مفاهیم آموزشی به دور از قالب‌های کلیشه‌ای نصیحت‌گونه در نمایش‌ها به گونه‌ای که استفاده از این مفاهیم در انتقال خواسته‌های کودکان به اولیا بسیار مفید واقع شده است و شاید یکی از دلایل استقبال بزرگسالان و اولیا از این برنامه انتقال خواسته‌های کودکان به بزرگسالان می‌باشد.
- **گروه طراح صحنه و لباس:** استفاده مناسب از فضای محدود استودیو، استفاده از ساده‌ترین گریم‌ها و تجهیزات کمک‌نمایشی، رنگ‌های شاد و دل‌نشین لباس‌ها و دکورها؛ به گونه‌ای که طراحی لباس‌ها و دکورها کاملاً منطبق با فرهنگ بومی و ایرانی است.
- **صدابرداری:** مناسب (ضبط صدا در صحنه)
- **نورپردازی:** مناسب (شفافیت و وضوح مورد نیاز تأمین شده است)

موارد منفی

- القای رفتار خشونت‌آمیز به کودکان

پیشنهاد

بهتر است در نوشتن گفت‌وگوهای بازیگران دقت بیشتری شود و از به‌کارگیری الفاظ نامناسب پرهیز گردد.



ریشه‌یابی و علت‌یابی مشکل در رأس قرار داشت و پس از آن، بیننده به یافتن راهکار رفع مشکل هدایت می‌شد و در ضمن، شیوه‌های پیش‌گیری از این حادثه برایش تشریح می‌شد. «آقا معلم» شخصیت صبور و دانا و متفکری داشت که الگوی مناسبی برای کودکان بود. قصه طوری طرح‌ریزی شده بود که تقریباً تمامی واکنش‌های قابل پیش‌بینی کودکان در مواجهه با مشکل در آن دیده می‌شد و کودک بازخوردهای هر عکس‌العمل را می‌دید و خود، آگاهانه دست به انتخاب بهترین شیوهٔ رویارویی می‌زد.

روش اجرا

روش اجرا به‌صورت نمایش عروسکی است با داستان و سناریوی از قبل نوشته‌شده و ضبط نمایش و پخش آن در زمان تعیین شده صورت می‌گیرد.

ابزار مورد استفاده

وسایل استفاده شده در صحنه نمایش: دکور کلاس درس، میز و صندلی، تخته سیاه، عروسک‌ها

گزارش تحلیلی (موارد مثبت و منفی)

نزدیک به ۳۲ سال از زمانی که اولین سری مدرسهٔ موش‌ها ساخته شد، می‌گذرد. آن روزها انقلاب هنوز جوان بود و آتش جنگ شعله‌ور، اما تمام مشکلات موجود برای تحقق نیافتن تربیت صحیح کودکان دلیل موجهی نبود. تمام هم و غم دست‌اندرکاران نظام به ثمر نشاندن و بالیدن آن‌ها بود تا ایران آزاد به وجودشان افتخار کند.

در آن وادی پرشر و شور جوانانی بودند که دغدغهٔ کودک و نیازهایش برایشان زمینهٔ کار شده بود. خانم **مرضیه برومند** یکی از آنان بود. **برومند** در خاطرات خود می‌نویسد:

«مرحوم **احمد بهبهانی** چند متن اولیه نوشته بود که نیاز به اصلاح و بازنویسی داشت. شخصیت‌ها اندک و کم‌رنگ بودند. چند شخصیت دیگر اضافه کردیم و طی تمرین آن‌ها را جا انداختیم. هم‌زمان خودم با تجربهٔ ناقصی که از دوران کار در کانون داشتیم، شروع کردم به ساخت عروسک‌ها، **رضا پرنیان‌زاده** هم به کمک آمد و عروسک‌ها ساخته شدند. بعضی شخصیت‌ها در حین ساخت عروسک به‌وجود آمدند، مثل «سرمایی».

برای موسیقی هیچ نقشی در نظر گرفته نشده بود. اساساً تا آن زمان رسم نبود برنامه‌های تلویزیونی موسیقی داشته باشند. برای یکی از قسمت‌ها که قرار بود «موش موشک» به‌دنبال برادرش «دم‌دراز» راه بیفتد تا به مدرسه برود، یک شعر گفته بودیم. از **علیقلی** که او را هم از برنامهٔ «اولدوز و کلاغ‌ها» می‌شناختم، خواهش کردم ملودی را برایمان بسازد. **علیقلی**

هم ساخت، البته نه با ساز، فقط شعر را بر روی ملودی برایمان خواند و راضیه، که صدایش «دم‌دراز» بود، آن را خواند. این اولین باری بود که یک پرسوناژ عروسکی در تلویزیون ترانه می‌خواند.

سری اول مدرسهٔ موش‌ها در نه قسمت و در دل یک جنگ، به مناسبت بازگشایی مدارس از تلویزیون پخش شد. روز بعد از پخش قسمت اول داشتیم از کوچه رد می‌شدم که ناگهان با شنیدن صدایی در جا خشکم زد! باورم نمی‌شد؛ چند دختر بچه داشتند در کوچه بازی می‌کردند و می‌خواندند: «می‌رم مدرسه جیبام پر از فندق و پسته... موش موشک من می‌خوره غصه که نمی‌تونه بره مدرسه... آهای مدرسه آهای مدرسه... توی کتاباش پر از قصه... می‌رم مدرسه جیبام پر از فندق و پسته...»

خودباوری، خلاقیت و نوآوری و میل به پیشرفت و استفادهٔ بهینه از داشته‌ها باعث شد که با تمامی مشکلات آن زمان خاطراتی خوش برای کودکان آن دوره خلق شود. مسلم است که امروز هم علم و هم امکانات و هم توانمان گسترده‌تر از پیش است و این مسئولیت ما را در عرصهٔ فرهنگی و به‌خصوص تعلیم و تربیت بیشتر می‌کند.

موارد مثبت

۱. **گروه اجرایی و عروسک‌گردان:** توان اجرایی و هماهنگی بالا، استفاده از لهجه‌ها و گویش‌های متناسب و کودکانه

۲. **گروه نویسندگان:** نویسندگان بسیار قوی و همگی آشنا به نیازهای کودکان بودند.

۳. **گروه طراح عروسک و لباس:** استفادهٔ مناسب از فضای محدود استودیو، استفاده از ساده‌ترین روش‌های ساخت عروسک و هنر دست و تجهیزات کمک‌نمایشی، رنگ‌های شاد و دل‌نشین لباس‌ها و دکورها به‌گونه‌ای که طراحی لباس‌ها و دکورها کاملاً منطبق با دنیای کودکانه باشد.

۴. **صدابرداری:** مناسب (ضبط صدا در صحنه)

۵. **نورپردازی:** مناسب (شفافیت و وضوح مورد نیاز تأمین شده بود)

موارد منفی

به‌نظر من مورد قابل ذکر دیده نشد.

پیشنهاد

بهتر است در برنامه‌سازی‌های جدید نگاهی دوباره به گذشتهٔ خود داشته باشیم. همسویی با حرکت روبه‌رشد آینده به هیچ‌عنوان به‌معنای نادیده گرفتن موفقیت‌های گذشته و به‌روز کردن آن‌ها نیست.



مهرساقبایی

کتاب جایی برای زندگی است

با عنوان، بدن انسان، خانه جایی برای زندگی است، در شهر، تاریخ، جانوران و گیاهان، دنیا و جهان مطالب خود را دسته‌بندی کرده است.

هر بخش توسط یک تصویرگر، تصویرسازی شده است. این تصاویر ساده و گویا با رنگ‌های درخشان و زیبایی تهیه شده‌اند. هر صفحه میدانی برای گردش بصری کودکان فراهم می‌کند. مطالب در هر صفحه به گونه‌ای چیده شده‌اند که هر کادر، در کنار تصویر مربوطه خوراک ذهنی مجزایی برای کودک و مربی فراهم می‌آورد.

هر چند صفحه یک بار، یکی از سؤالات متداول کودکان به همراه پاسخ آن‌ها آورده شده است. مثل «چرا خون قرمز است؟» و یا «ماهی چه‌طور زیر آب نفس می‌کشد؟» یا «چرا باید بخوابیم؟» فهرست این سؤالات در حاشیه فهرست کلی کتاب آمده است تا دستیابی به آن‌ها تسریع شود.

در هر بخش، شخصیت‌هایی کودکانه طراحی شده‌اند که کودک مطالب آموزشی را با دنبال کردن کارها و رفتارهای آن‌ها درک می‌کند و جلو می‌رود. این شخصیت‌سازی به همذات‌پنداری کودکان با روند آموزشی و محتوای علمی منجر می‌شود. مثلاً در بخش «بدن

آمیخته با شوخی، داستان‌های غیرواقعی و یا توجیهات غیرعلمی داشته باشیم، وقتی آن‌ها بزرگ‌تر می‌شوند و از هر طریق دیگری، پاسخ پرسش‌هایشان را درمی‌یابند، اعتماد خود را به والدین و بزرگ‌ترهایشان و حتی محیط‌های آموزشی از دست می‌دهند. این سلب اعتماد می‌تواند بر روابط متقابل بچه‌ها و بزرگ‌ترهایشان تأثیرات مخربی داشته باشد.

البته دستیابی به پاسخ‌های مناسب و در حد درک کودکان همیشه آسان نیست و احتیاج به ذهنی آماده، علاقه‌مند و باحوصله دارد. گاهی کتاب‌های داستانی مناسبی می‌توان تهیه کرد که موضوع کودکان، مثلاً در زمینه چگونگی به دنیا آمدن کودکان و یا چیستی و چگونگی خلق جهان و خدا، باشد.

این کتاب‌های داستان به شیرینی و به زبانی کودکانه جواب‌هایی قانع‌کننده برای کودکان خردسال فراهم می‌کنند. داشتن یک کتاب جامع و فراگیر که علم را به زبان ساده برای کودکان توضیح دهد همواره مورد نیاز است.

کتاب دایرة المعارف خردسال، ویژه کودکان پیش‌دبستانی و اول دبستان، تهیه شده است. این مجموعه در هفت بخش

دایرة المعارف خردسالان

(ویژه کودکان پیش‌دبستانی و اول دبستان)

نویسنده: سیسل ژوگلا

مترجم: مهناز عسگری

ناشر: محراب قلم (تلفن: ۰۸۷۹۰۶۶۴۹)

رنگی، مصور، ۱۸۴ صفحه

خردسالان در سنین پیش‌دبستان، انبانی از انواع پرسش هستند. همه‌چیز برای آن‌ها شگفتی‌آور است و جای سؤال دارد. کنجکاوای کودکان خصلتی ارزشمند است که هرگز نباید دست‌کم گرفته شود. سؤال‌های کودکان در این سن نباید مسخره شود، نباید فقط اسباب خنده بزرگسالان باشد و نباید از سر بی‌حوصلگی به آن‌ها پاسخ داده شود. بسیاری از اوقات گفتن «نمی‌دانم» بسیار بهتر از پاسخ‌های غلط و یا اصطلاحاً از «سربازکنی» می‌باشد.

متأسفانه در بسیاری موارد بزرگ‌ترها، پرسش‌های کودکان را با توجیه اینکه «این‌ها که نمی‌فهمند» با اطلاعات غلط یا افسانه‌وار، پاسخ می‌دهند. غافل از اینکه کودکان بسیار بیشتر از آنچه ما فکر می‌کنیم، می‌فهمند و درک می‌کنند. پرسش‌ها باید کاملاً منطبق با واقعیت و با زبانی مناسب سن آن‌ها پاسخ داده شوند. اگر برای سؤال‌های کودکان جواب‌هایی

مشارکت مراکز پیش دبستانی و خانواده

سجاد صفری

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش دبستانی

کلیدواژه‌ها: مشارکت، مراکز آموزشی، کارگاه آموزشی، خانواده

مقدمه

انسان در طول زندگی خویش مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارد. در میان همه دوره‌های زندگی انسان، بعضی از مراحل ویژگی‌هایی دارند. یکی از این دوره‌ها زمانی است که هر کودکی برای تجربه مستقیم حضور در کلاس، خواندن، نوشتن، آموزش و ارتباط مستقیم با معلم یا مربی و آشنا شدن با گروه همسالان در مرکز آموزشی برای اولین بار وارد مدرسه می‌شود. این سال‌ها به دلیل اینکه کودک از والدین فاصله می‌گیرد، به دنیا و عرصه‌ای تازه می‌آید، با مقررات متفاوتی مواجه می‌شود، در جمع بزرگ‌تری شرکت می‌کند و در مقابل برخی وظایف باید احساس مسئولیت بیشتری داشته باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. تفاوت‌های محیط خانه و مدرسه در اموری مثل نظم و انضباط، پوشش و آداب و سنن مختلف از مسائلی هستند که کودک در بسیاری مواقع به‌ویژه سال‌های اول تحصیل قادر به تطبیق خود با همه آن‌ها نیست. نقش والدین و مشارکت آنان در همراهی کودک و راهنمایی او بسیار مؤثر است و سبب می‌شود کودک بدون دغدغه، نگرانی و اضطراب و در کمال آرامش، اعتماد و اطمینان مسیر تحصیلی خود را طی کند و راه را برای پیشرفت و تعالی خویش

فراهم سازد. (انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۸)

تجربه‌های اولیه بسیار مهم‌اند. باید دانست که بسیاری از مهارت‌ها در اولین سال‌های زندگی با سهولت بیشتری فرا گرفته می‌شوند. طی سال‌های اولیه همه کودکان نیاز به انگیزه و محرک و کسب تجربه‌های دوست داشتنی با دیگران به‌ویژه از طریق خانواده دارند. (مفیدی، ۱۳۸۳)

هم‌زمان با تغییراتی که در روند زندگی کودک به‌وجود می‌آید، تعلیم و تربیت او حساسیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ضروری است که متناسب با رشد کودکان، زمینه لازم برای گسترش ابعاد یادگیری آنان فراهم شود. این امر ایجاب می‌کند همگام با رشد کودک، دو گروه دست‌اندرکار، یعنی اولیا و مربیان نیز توجه و همکاری بیشتری داشته باشند و با توجه به نیازهای تربیتی کودکان دامنه و نوع ارتباط خود را گسترش دهند تا امکان فراگیری بهتر کودکان در ابعاد گسترده‌تری فراهم آید. لزوم توجه به همه ابعاد و نیازهای تربیتی کودکان موجب شده است مشارکت اولیا و مربیان در سال‌های اخیر ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. (وفادار و جوان‌بخت اول، ۱۳۸۳)

والدین برای فرزندان مهم‌ترین افراد جهان محسوب می‌شوند. ورزش یا سرگرمی دلخواه پدر معمولاً برای فرزندان بهترین است. طرز فکر کودک درباره مدرسه و احساس او در این مورد بیشتر مشابه احساس والدین نسبت به مدرسه است. (نیسون، ۱۳۹۰) مشارکت والدین در مؤسسات سال‌های نخست کودکی در برقراری ارتباط متقابل بین خانواده و مؤسسات مؤثر است و موجب برقراری ارتباط با اجتماع بزرگ‌تر می‌شود. (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۸)

در نظریه «برونفن برون» روابط بین خانواده و مدرسه یک نظام میانی مهم تلقی می‌شود. معلمان باتجربه به اهمیت درگیر کردن والدین در آموزش کودکان واقف‌اند. در یک زمینه‌یابی، معلمان کمک والدین را به‌عنوان اولین قدم در پیشرفت آموزشی کودک دسته‌بندی کردند. با این حال، مدارس و مراکز آموزشی معمولاً برای ایجاد مشارکت والدین برنامه‌های مؤثری به کار نمی‌برند. (اپستاین، ۲۰۰۲، به نقل از بیابانگرد، ۱۳۹۰)

بسیاری از الگوها برای آموزش و پرورش پیش دبستانی بر اهمیت مشارکت خانواده توجه و تأکید می‌کنند. برای مشارکت اولیا و مربیان در برنامه‌هایی مانند مدارس رجویو امیلیا والدین مکرراً در سطح بالایی ارزش‌گذاری شده است. به‌خصوص رویکرد رجویو امیلیا اهمیت والدین را در زندگی کودک و در جامعه مدرسه به‌طور کلی، مبنا و پایه قرار می‌دهد. (گاندینی، ۱۹۹۷، به نقل از پرایر و جرارد، ترجمه ایمانی)

در این گفتار سعی بر این است که با جست‌وجو در منابع، راه‌های ایجاد مشارکت بین خانواده و مراکز پیش دبستان، مزایای این مشارکت و همچنین موانع موجود بر سر راه مشارکت والدین بررسی شود.

راه‌های ایجاد مشارکت بین مراکز آموزشی و خانواده بازدید از منزل

بازدید از منزل فرصتی برای شناسایی علایق و تبادل اطلاعات بین والدین و مربیان است و حتی در حمایت از رفتن کودک به مدرسه می‌تواند مفید باشد. ممکن است خانواده بازدید از منزل را نپذیرد که در این صورت باید به نظر آن‌ها احترام گذاشت. به نظر بروس و مگیت^۱

(۲۰۰۱)، استفاده از دو مربی هنگام بازدید از منزل مفید است. یک نفر با کودک بازی می‌کند و تعامل برقرار می‌سازد و نفر دیگر با دقت به حرف‌های والدین گوش می‌دهد.

ارتباط با مراکز سال‌های نخستین کودکی

گذری به محیط‌های سال‌های نخستین کودکی برای اولین بار می‌تواند برای خانواده‌ها چالش برانگیز باشد. هنگامی که کودکان همراه والدینشان، که به آن‌ها دل‌بستگی دارند، در محیط حضور می‌یابند، گذر را راحت‌تر می‌بینند و از کشف محیط لذت می‌برند و احساس ناامنی نمی‌کنند. نقش مربی در این زمان ایجاد اطمینان در والدین است؛ به این معنی که کودک آن‌ها قادر به مقابله با تغییرات شده است. از طریق تماس منظم، مربیان و خانواده‌ها با یکدیگر آشنا می‌شوند و ارتباط اعتمادآمیزی بین آن‌ها شکل می‌گیرد.



کنفرانس والدین

جلسه‌های گفت‌وگو با والدین دربارهٔ پیشرفت فرزندان شان فرصت‌های ارزشمندی برای ارتباط دوجانبه با آن‌ها فراهم می‌آورد. محدودیت‌های زمانی اغلب والدین را شتاب‌زده می‌کند. در چنین مواقعی مربیان می‌توانند به ارائهٔ اطلاعات بپردازند؛ هر چند که داشتن ارتباط یک‌سویه چندان اثربخش نیست. برای کسب اطمینان از اینکه جلسات با والدین مبتنی بر ارتباط دوجانبه است (سبکی شبیه کنفرانس)، مربیان می‌توانند از مستندات، شواهد تصویری، داستان و نمونه‌هایی از کار کودکان - که تعامل را افزایش می‌دهد - استفاده کنند. از والدین نیز می‌توان خواست که در ارائهٔ این نمونه‌ها سهیم شوند. در این کنفرانس‌ها بیشتر ماهیت اقدامات جاری مراکز و چگونگی گسترش آن‌ها بیان می‌شود.

کارپوشهٔ یادگیری

هال و همکاران (۲۰۰۱)، مدارک و اسناد را مهم‌ترین ابزار ارائهٔ اطلاعات به والدین دربارهٔ جنبهٔ مبهمی از زندگی کودک می‌دانند. این اطلاعات می‌تواند در درک ماهیت آنچه کودک انجام داده است، به همان اندازهٔ کمک به والدین در درک و فهم هدف حفظ گزارش‌ها مفید واقع شود. یکی از روش‌های انجام این کار ساختن کارپوشهٔ یادگیری برای کودکان است که در بدو ورود به مؤسسه و رفتن به کلاس بالاتر مفید واقع می‌شود. برای افزایش کار مشارکتی، خانواده‌ها باید به سهیم شدن در تدوین کارپوشه یادگیری تشویق شوند. شواهد را می‌توان به شکل‌های متفاوتی مثل تصاویر، یادداشت، مشاهده، نمونه‌هایی از کار کودک یا همکاری کودک با سایر اعضای خانواده یا مربیانی که رویدادها را ثبت می‌کنند تهیه کرد. با تشویق خانواده‌ها به همکاری در جمع‌آوری و ثبت رویدادها، آن‌ها نیز بخش هماهنگی در این فرایند می‌شوند و درمی‌یابند که گفت‌وگو دربارهٔ



تحول کودکانشان بهتر از ارائه صرف مستندات است که روش ارتباط یک جانبه در اطلاع رسانی یا آموزش خانواده‌هاست.

جلسات ارائه اطلاعات و کارگاه‌های آموزشی

مراحل رشد و تحول در آن آمده است در اختیار والدین قرار گیرد تا باعث اطمینان خاطر آنان شود. همچنین می‌توان پیشنهادهایی درباره برقراری ارتباط و بازی با کودک در خانه به وسیله این بروشورها برای خانواده‌ها بیان کرد.

عنصر اصلی ایجاد مشارکت تبادل اطلاعات است. گردهمایی‌های مفید برای یادگیری‌های مشترک است. برای اطمینان یافتن از موقعیت باید نیازها به طور دقیق شناسایی و تعیین شوند و در قالب جلسات مطرح گردند تا مشارکت والدین به حداکثر خود برسد. یکی از دلایل جذب ضعیف والدین به کارگاه‌های آموزشی، تأکید بیش از حد در گفتن چگونگی کار به سبک معلم محور است. بنابراین، چالش مربیان برگزاری جلساتی مبتنی بر تساوی مشارکت و حل مسئله است. کارگاه‌های آموزشی فرصت‌هایی را برای والدین فراهم می‌کند تا درباره جوانب یادگیری یا رشد و تحول فرزندانشان اطلاعاتی کسب کنند. انتخاب موضوع به نیازها و تقاضای والدین بستگی دارد. برای رفع این نیازها به حداکثر رساندن حضور والدین و مشورت با آنان در خصوص محتوای کارگاه‌ها حیاتی است.

ویدئو - تصویر شبیه‌سازی شده

کودکان از بدو تولد تا سه سالگی چیزهای بسیاری در خانه یاد می‌گیرند. این یادگیری محصول حمایت خانواده و نیاز به دانستن است. وقتی کودکان به مؤسسات آموزشی می‌روند، اهمیت تجارب کودکی پابر جا می‌ماند. مربیان و والدین باید با یکدیگر همکاری کنند تا مهارت‌های ضروری در کودکان ایجاد شود. همکاری اثربخش با خانواده برای دستیابی مربیان به زمینه‌های پنهانی که زندگی کودک را می‌سازد، حیاتی است. مربیان می‌توانند با توجه به نیاز والدین برای کار با کودکانشان در خانه منابعی را در اختیار آن‌ها قرار دهند. این کار به همان اندازه که بیانگر توجه و حمایت آن‌ها از خانواده است می‌تواند ارتباط خانه و مدرسه را بهبود بخشد.

این کار فرصت‌هایی را برای والدین و مربیان در تأمل بر تجارب یادگیری کودکان فراهم می‌آورد. نشان دادن فیلمی کوتاه از فعالیت کودک و صحبت کردن مربی و توضیح دادن همراه فیلم باعث ایجاد اطمینان خاطر در والدین می‌شود و آن‌ها را در فعالیت یادگیری درگیر می‌کند. والدینی که نگران ایمنی، خشنودی و فعالیت فرزندانشان هستند با دیدن فیلم بچه‌ای که سرگرم بازی و فعالیت و تعامل با دیگر بچه‌هاست مطمئن می‌شوند که از کودک آن‌ها به خوبی مراقبت به عمل می‌آید.

رویدادهای درون خانواده

اغلب اوقات رویدادهای خانوادگی بر روزهای جشن، کنسرت‌ها و مواقع مشابه متمرکز است. مدیران می‌توانند از این رویدادها برای ارتقای مشارکت با خانواده‌ها به طریقی استفاده کنند که موجب حمایت از یادگیری و رشد و تحول در زمینه وسیع‌تر شوند.

خبرنامه‌ها

درگیر ساختن خانواده و اجتماع در محیط یادگیری

بسیاری از خانواده‌ها احساس می‌کنند که در جلسات آموزشی مؤسسات، باید نقش آنان را در محیط یادگیری به رسمیت بشناسند. ارائه تصاویری از خانواده‌ها در جلسات آموزشی می‌تواند در دستیابی به هدف و نشان دادن این نکته به کودکانی که خانواده‌هایشان ارزشمند هستند مفید باشد. کتابی که هر صفحه آن توسط یک خانواده تکمیل می‌شود می‌تواند برای کودکان و خانواده‌ها نمایش داده شود. برای پر کردن شکاف بین مؤسسه و خانه، کودکان باید تشویق شوند تا تکالیفشان را با همکاری خانواده‌ها انجام دهند. در عین حال فرستادن کارهای کودک به خانه، فرصت‌هایی را برای آشنایی والدین با مؤسسه فراهم می‌آورد. بازدیدهای آموزشی برای درگیر کردن والدین و به‌ویژه

ارسال خبرنامه‌ها به طور منظم درباره موضوع‌های جاری، رویدادها و موفقیت‌ها می‌تواند شیوه‌ای مفید برای حفظ تماس با خانواده‌ها و اجتماع باشد و برای اطمینان از داشتن یک رویکرد فراگیر در خبرنامه‌ها، لازم است نویسندگان آن از اعضای مؤسسه، خانواده یا اجتماع باشند و خبرنامه‌ها در سطحی وسیع بین مردم توزیع شود. به آسانی می‌توان خبرنامه‌ها را به ابزاری برای انتقال روزانه موضوعات، روزهای خاص، اطلاعات مربوط به تعطیلات و موارد مشابه تبدیل کرد. علاوه بر این، می‌توان از همکاری اعضای خانواده و ارائه گزارش‌هایی در مورد رویدادهایی جدید در خانواده‌ها، جشنواره‌های فرهنگی و اطلاعاتی درباره خدمات مراکز و... در خبرنامه بیان کرد.

اطلاعات مربوط به مؤسسه

بسیاری از جنبه‌ها و ابعاد مؤسسه ممکن است برای والدین مبهم باشد. برای مثال، ترتیب متفاوت اتاق‌ها در محیط مؤسسه که براساس سن و نوع فعالیت تعیین می‌شود و کودک با توجه به سن خود مجبور است در گروه خاصی قرار بگیرد. برای رفع ابهام می‌توان بروشورهایی را که جزئیات سازمان‌دهی و امور جاری هر اتاق، نوع فعالیت و

پدران بسیار مفید است. فعالیت‌های دیگر مانند دعوت از اعضای خانواده در فعالیت‌ها و جلسه‌ها، خواندن کتاب برای کودکان، ایفای نقش مدیر، جمع‌آوری اِغانه و کمک در ارائه خدمات برای جلب همکاری خانواده‌ها در محیط می‌باشند.

مزایای مشارکت مؤثر بین مرکز پیش‌دبستان و خانواده

● مشارکت والدین و خانواده تأثیر بسیاری بر موفقیت دانش‌آموز در دوره‌های بعدی تحصیل دارد. والدینی که در مدارس مشارکت دارند مایل‌اند فرزندان‌شان داشته باشند که در مدرسه روبه‌راه باشند و خوب پیشرفت کنند.

● در موفقیت و پیشرفت دانش‌آموز نوساناتی در ارتباط با فرهنگ، نژاد، قومیت و شرایط اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. والدینی که در خانه و مدرسه مشارکت دارند، تحت هر شرایطی زمینه‌ها و تجربیاتشان به پر کردن فاصله و شکاف بین این موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها کمک می‌کند.

● مشارکت والدین در خانه، تأثیر مهم‌تر و بیشتری بر کودکان دارد تا مشارکت والدین در فعالیت‌های مبتنی بر مدرسه. سپری کردن اوقات تک‌به‌تک با کودکان، از نظر فرهنگی و آموزشی غنی‌ترین اوقات برای آن‌هاست.

● والدینی که خود را در برنامه‌های آموزشی پیش‌دبستانی کودکان خود مشارکت می‌دهند، فرزندان‌شان را به‌طور موفقیت‌آمیزی روانه کودکستان و دبستان می‌کنند. مشارکت والدین مدرسه را به مکانی با آسیب‌زایی کمتر تبدیل می‌کند.

● در صورتی که والدین راهنمایی لازم در کار کردن با فرزندان‌شان را به‌طور مؤثر دریافت کرده باشند، همکاری در انجام تکالیف برای دانش‌آموز مفید است. مشارکت والدین یادگیری در مدرسه را تقویت می‌کند و سرعت می‌بخشد.

● وجود تفاوت‌های فرهنگی زیاد بر خانواده‌هایی که خود را با آموزش و پرورش کودکان‌شان مشارکت

می‌دهند، تأثیر می‌گذارد. معلمان و مدارس می‌بایست برای تفاوت‌های خانواده‌ها ارزش قائل شوند و زمانی که برای خانواده‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند، این تفاوت‌ها را به‌خاطر داشته باشند.

● تحقیقات نشان داده‌اند زمانی که والدین در رویدادهای آموزشی مشارکت داده می‌شوند، دانش‌آموزان در مهارت‌های ریاضیات و خواندن و نوشتن پیشرفت می‌کنند.

● زمانی که خانواده‌ها، مدرسه و جامعه با یکدیگر کار می‌کنند، موفقیت بیشتر دانش‌آموز حاصل می‌شود.

● اختصاصی و انفرادی کردن برنامه‌های مدرسه برای مشارکت موفق والدین - مدرسه ضروری است. (پرایر و جرارد، ۱۳۸۸).

استانداردهای یک مشارکت مؤثر بین خانواده و مراکز آموزشی

● ارتباط بین خانه و مدرسه منظم، دو جانبه و معنی‌دار است

● مهارت‌های والدین ارتقا داده شده و پشتیبانی می‌شود

● والدین نقش سازنده‌ای در کمک به یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کنند

● در مدرسه از والدین استقبال شده و حمایت و همیاری آنان درخواست می‌شود

● والدین در تصمیم‌گیری‌هایی که بر دانش‌آموزان و خانواده‌ها تأثیرگذار است شریک کاملی هستند

● از منابع جامعه برای تقویت مدارس، خانواده‌ها و یادگیری دانش‌آموزان استفاده می‌شود (پرایر و جرارد، ۱۳۸۸).

کار کردن با والدین پرتوقع

گاهی معلمان با والدین پرتوقع مواجه می‌شوند. این‌ها ممکن است والدینی باشند که مربیان و مدرسه را تحت فشار قرار می‌دهند تا آنچه را آن‌ها می‌خواهند انجام دهد. آن‌ها ممکن است دقیقاً منتقد معلم یا مدرسه باشند، باعث شوند هر کسی گرفتار احساس شرمندگی

شود و یا حالت دفاعی به خود بگیرد. نحوه رفتار این‌گونه افراد می‌تواند مواعی را برای مشارکت مؤثر ایجاد کند (پرایر و جرارد، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

انسان در طول زندگی مراحل مختلفی را پشت‌سر می‌گذارد. در میان این دوره‌ها زمانی که کودک برای اولین بار وارد محیط آموزشی می‌شود به‌دلیل تغییرات زیادی که در محیط و شیوه زندگی کودک رخ می‌دهد از اهمیت خاصی برخوردار است. مشارکت والدین با مربیان، کودکان و همچنین مراکز پیش از دبستان می‌تواند به‌عنوان عاملی یاری‌دهنده به کودک باشد تا راحت‌تر با محیط جدید کنار بیاید و خود را با آن تطبیق دهد. هر چند در مسیر مشارکت بین خانواده و مراکز آموزشی موانعی وجود دارد اما والدین و مراکز آموزشی می‌توانند به شیوه‌های مختلفی با هم مشارکت داشته باشند. مشارکت بین خانواده و مدرسه بیش از هر کسی برای کودک مهم و حیاتی است اما در عین حال که هدف اصلی مشارکت بین خانواده و مدرسه کمک به پیشرفت کودک است خانواده و مدرسه نیز می‌توانند از این مشارکت برای پیشبرد اهداف خودشان استفاده کنند.

پی‌نوشت

1. Bruce & meggit

منابع

۱. بیابانگرد، اسماعیل؛ روان‌شناسی تربیتی، ویرایش، تهران، ۱۳۹۰.
۲. پرایر، جنیفر؛ جرارد، مورین آر؛ مشارکت خانواده در آموزش و پرورش پیش‌دبستانی، مترجم: علی ایمانی، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۸.
۳. سعیدی، علی و حسن رستمی؛ تربیت کودکان، ترمین، مشهد، ۱۳۸۷.
۴. فیتز جرالذ، دمنین؛ مشارکت والدین در سال‌های نخستین تحصیل فرزند، مترجم صغری ابراهیمی قوام، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۷.
۵. مفیدی، فرخنده؛ آموزش خانواده، پویش، تهران، ۱۳۸۳.
۶. نیسون، لسلای جی؛ نقش اولیا در پیروزی تحصیلی فرزندان، مترجم: نعمت کدیور، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۹۰.



نقاشی برای کودکان فقط وسیله بیان برای تجزیه و تحلیل یا توضیح و تشریح موجودات و اشیا نیست بلکه وسیله ای برای بیان زندگی عاطفی آنهاست. هنگامی که کودک با آزادی و به دلخواه خود به نقاشی می پردازد، در واقع، حالت روحی و روانی و احساسات زمان حاضر و نیز احساسات و تحریکات ریشه دار و ژرف تر خود را بیان می کند. بدین ترتیب، در حالی که از بیان تجاربش احساس رضایت می کند، خطوط مخصوص شخصیتش را نیز هویدا می سازد.

شکل انسان

کودک وقتی شکل آدمی را می کشد، قبل از هر چیز شکل خود و یا درکی را که از بدن و تمایلاتش دارد بیان می کند. در واقع، بین بعضی خطوط آدمک نقاشی شده و خصوصیات روانی و جسمی کودکی که آن را کشیده است، ارتباطهای مشخصی وجود دارد. اگر آدمک در مجموع هماهنگ باشد، احتمال بسیاری وجود دارد که کودک کاملاً سازگار باشد. برعکس، اگر آدمک مثلاً در اندازه خیلی کوچک و یا در گوشه ای از کاغذ کشیده شده باشد، به معنای آن است که کودک خود را کم ارزش و از دیگران پایین تر می داند.

در نقاشی، فقدان دست و بازو نیز علامت کم بهادادن به خود و عدم امنیت است؛ زیرا دست و بازو که در نقاشی کشیده نشده اند، همان وسایلی هستند که امکان عمل کودک را در محیط پیرامون او فراهم می آورند. در ادامه، به طور خلاصه، نمادهای اصلی اندام را معرفی می کنیم.

سر: معرف مرکز شخصیت و قدرت فکری و هوش و عامل اصلی کنترل فشارهای درونی است. کودکان همیشه سرهای بزرگ ترسیم می کنند ولی اگر سر زیاد بزرگ باشد، نشانگر آن است که «من» کودک بیش از حد طبیعی است.

صورت: چون بسیار اهمیت دارد، اغلب تنها کشیده می شود. کودکان پر خاشاگر جزئیات آن را به حد اغراق آمیز بزرگ ترسیم می کنند؛ در حالی که کودکان خجالتی، جزئیات را در نظر نمی آورند و فقط دایره صورت را ترسیم می کنند و به ندرت صورتی را از نیم رخ می کشند.

دهان و دندان: معنی نیاز به مواد خوراکی را نمایان می سازد و به معنی پر خاشگری و یا در ارتباط با مسائل جنسی هم هست. لبهای بسته نشان دهنده تنش و فشار و چانه نماد قدرت مردانگی است.

چشمها: دنیای درون نقاش و اجتماعی بودنش را نشان می دهند. کودکان خود پسند چشمها را با حالت های درنده و وحشی می کشند. چون چشمها ارزش زیبایی نیز دارند، دخترها چشمهای هم جنس خود را خیلی بزرگ می کشند.

بینی: در بعضی مواقع ممکن است نشان دهنده مشکلات جنسی باشد.

بالا تنه: اگر باریک و لاغر کشیده شود، مشخص کننده این است که کودک از اندام خود ناراضی است و یا از چاق شدن و بزرگ شدن می ترسد. در مواردی دیگر، بالاتنه ممکن است نشان دهنده ضعف جسمانی واقعی باشد.

منابع

۱. وانقی، مینو، آموزش هنر در دوره ابتدایی، روان.
۲. کوثری، مجید، آموزش خانواده، ۱۳۸۴.

نسرین قلمی

آموزگار و مربی، منطقه ۵ تهران

نقاشی و شخصیت کودکان

بررسی میزان آگاهی مدیران مدارس از اهداف آموزشی

مژده طباطبایی

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی و مدرس دانشگاه علمی کاربردی مشهد

اشاره

اگر بخواهیم در قرن بیست و یکم، که درصد قابل توجهی از قدرت کشورها در نیروی انسانی آن‌ها نهفته است، به پیشرفت همه‌جانبه در زمینه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی نایل شویم، به شخصیت‌های رشد یافته، مغزهای اندیشمند و دست‌های ماهر و توانا نیازمندیم. از دیرباز، متخصصان تربیتی به نقش عوامل محیطی و ژنتیکی در تربیت افراد توجه خاصی داشته‌اند و توجه به هر دو بعد جسمی و روانی انسان را سرلوحه برنامه‌های تربیتی خود قرار داده‌اند اما همواره این سؤال مطرح بوده است که در سال‌های محدود عمر هر فرد، از چه زمانی باید او را در مسیر تعلیم و تربیت قرار داد. سال‌های سال نظریه‌پردازان مختلف بر اهمیت آموزش در نوجوانی و جوانی تأکید داشتند اما کم‌کم نیاز به زمان بیشتر برای کسب اطلاعات افزون‌تر، نظریه‌پردازان را بر آن داشت تا آموزش‌های رسمی را از دوران کودکی آغاز کنند.

روانشناسان نیز کم‌کم متقاعد شدند که سال‌های اولیه زندگی حساس^۱ و سرنوشت‌سازند (کول، ۱۳۸۹: ۱۳). در صورتی که امکانات صحیح و محیط تربیتی سالم در اختیار کودکان قرار گیرد، می‌توان با برنامه‌ریزی‌های مدون از آموزش رسمی در آموزش و پرورش کودکان سنین پایین بهره گرفت. تحقیقات بسیاری در اروپا و آمریکا این حقیقت را آشکار ساختند که چنانچه قبل از شش سالگی از طرف مربیان دقت لازم به عمل آید و کودکان در معرض تجارب و فعالیت‌های سازنده قرار گیرند، در آینده نه تنها از بسیاری از مشکلات رفتاری آن‌ها جلوگیری می‌شود (پتیت و بتیز^۲، ۱۹۹۴) بلکه به مقدار قابل ملاحظه‌ای رشد هوشی آن‌ها افزایش می‌یابد (پترسون^۳، ۱۹۹۵) و از بسیاری از نابسامانی‌های عاطفی‌شان جلوگیری به عمل خواهد آمد (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۴).

سیر پژوهش‌های انجام شده، متخصصان علوم تربیتی را به این سمت هدایت کرد که دوران آموزش و پرورش پیش از دبستان (یعنی همان دوران اولیه زندگی انسان) نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای در آینده

کودکان دارد. پس از این تحقیقات، نقش و اهمیت ایجاد یک نظام رسمی آموزش و پرورش برای کودکان سه تا شش ساله مورد توجه متخصصان علوم تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اهداف آموزشی، دوره پیش دبستانی، مدیران مدارس

بیان مسئله

امروزه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان به دلیل افزایش روزافزون متقاضیان آموزش‌های این دوره، نیاز والدین شاغل، ضرورت‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی پیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. البته هدف اساسی از این دوره تنها نگهداری و مراقبت از کودک و بیان کردن برنامه‌های درسی نیست بلکه آماده کردن کودک برای رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و پرورشی کودک از طریق اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌های مفید و سازنده است.

تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که «آموزش و پرورش قبل از دبستان مرحله‌ای است که رشد قوای جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان را به‌طور هماهنگ و متعادل تأمین می‌کند» (مفیدی، ۱۳۸۸: ۲۲) و می‌تواند بر عملکرد اجتماعی، تحصیلی و رفتاری کودکان تأثیر بگذارد.

در کشور ما نیز از ابتدای شکل‌گیری آموزش و پرورش قبل از دبستان، بنا به اقتضات اجتماعی، اقتصادی و نیازهای کودکان برای آن اهداف متعددی تعریف شده است. در آخرین مرحله، شورای تغییر نظام آموزش و پرورش ضمن تأکید بر گسترش مراکز پیش دبستانی و نیز بهبود کیفیت آن‌ها هدف‌های این دوره را ۱. جسمی - حرکتی، ۲. شناختی، ۳. عاطفی و ۴. اجتماعی تعیین کرده و اصولی را در نظر گرفته است که شامل موارد زیر می‌شود.

۱. تقدم پرورش بر آموزش، ۲. توجه به تفاوت‌های فردی کودک، ۳. توجه به بهداشت جسمی - روانی کودک، ۴. توجه به بازی و فعالیت در تنظیم برنامه، ۵. پرورش خلاقیت، قوه ابتکار و تخیل. (عسکریان، ۱۳۷۹)

دوره پیش دبستانی از دوره‌های مهم، حساس و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی آدمی است. دوره‌ای است که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی فراگیرندگان با سایر دوره‌های تحصیلی

اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی دارد. دوره پیش دبستان دوره مهمی است که برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و هماهنگی همه‌جانبه‌ای را برای تحقق اهداف این دوره می‌طلبد و آنچه مسلم است مدیریت یک مرکز پیش دبستانی نیاز به آگاهی و تخصص و اطلاع از اهداف این دوره دارد.

از این‌رو، مسئله اساسی این پژوهش آن است که میزان آگاهی مدیران دوره پیش دبستانی نسبت به اهداف آموزشی این دوره چگونه است.

در این پژوهش متغیرهایی مانند مهارت‌های جسمی - حرکتی، مهارت‌های شناختی، پرورش روحیه و رفتار عاطفی، رفتارهای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نتایج این پژوهش می‌تواند به دست‌اندرکاران در امر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی در دوره پیش دبستان کمک کند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

کودکان پیش دبستانی قشر عظیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند و از آن‌ها انتظار می‌رود که در آینده‌ای نه‌چندان دور مسئولیت عظیم و سنگین اداره مملکت را عهده‌دار شوند. از طرف دیگر، استقبال روزافزون والدین برای شرکت فرزندانشان در این دوره‌ها، که در واقع اولین مرحله از آموزش رسمی کودکان آن هم در مراحل حساس رشد می‌باشد، اهمیت پرداختن به موضوع را دو چندان کرده است. به سبب بار مالی سنگینی که به دوش والدین و حتی مراکز پیش دبستانی است، به کارگیری امکانات متعدد، نیروی انسانی و ساعات زیادی که کودکان در این کلاس‌ها طی می‌کنند، باید قابل توجه و منطقی و در جهت اهداف این دوره‌ها باشد. در غیر این صورت چنین دوره‌هایی نامعقول و غیرمنطقی به نظر می‌رسند.

از طرف دیگر، اینکه تا چه اندازه در طراحی و برنامه‌ریزی این دوره اصول و قواعد علمی و صحیح به کار می‌رود و محتوا و روش‌های مورد استفاده در آن به رشد، شکوفایی و پرورش کودکان و آماده ساختن آن‌ها برای ورود به دبستان کمک می‌کند مسئله‌ای در خور بررسی است. لذا بررسی فعالیت‌های دوره پیش دبستانی می‌تواند اطلاعاتی پیرامون کیفیت آموزش این دوره و چگونگی عملکرد مدیران و مربیان آموزشی در میزان تحقق اهداف آموزشی این دوره را در اختیار مسئولان و محققان قرار دهد. از بعد دیگر، تحقیقات کافی در کشور در این زمینه خاص صورت نگرفته است

در صورتی که امکانات
صحیح و محیط
تربیتی سالم در
اختیار کودکان قرار
گیرد، می‌توان با
برنامه‌ریزی‌های مدون
از آموزش رسمی
در آموزش و پرورش
کودکان سنین پایین
بهره گرفت

دوره پیش دبستان
دوره مهمی است
که برنامه ریزی،
سازماندهی،
رهبری و هماهنگی
همه جانبه‌ای را برای
تحقق اهداف این دوره
می‌طلبد و آنچه مسلم
است مدیریت یک
مرکز پیش دبستانی
نیاز به آگاهی و
تخصص و اطلاع از
اهداف این دوره دارد

اهداف پژوهش

هدف کلی: بررسی میزان آگاهی مدیران

مدارس دوره پیش دبستانی به اهداف آموزشی این دوره که در راستای این هدف، اهداف فرعی زیر مدنظرند.

۱. بررسی میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش دبستانی نسبت به پرورش مهارت‌های جسمی - حرکتی کودکان در این دوره.
۲. بررسی میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش دبستانی نسبت به پرورش مهارت‌های شناختی کودکان در این دوره
۳. بررسی میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش دبستانی نسبت به پرورش روحیه و رفتار عاطفی کودکان در این دوره
۴. بررسی میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش دبستانی نسبت به پرورش رفتارهای اجتماعی کودکان در این دوره

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است و در آن از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شده است.

روش و ابزار گردآوری داده‌ها

روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش روش کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه بوده. پژوهشگر برای شناخت دقیق‌تر موضوع مورد پژوهش و استفاده از یافته‌های تحقیقات انجام شده در این زمینه، به بررسی و مطالعه پایان‌نامه‌های تحصیلی، کتب



منتشر شده خارجی و ایرانی، نشریات فارسی و انگلیسی پرداخته است. همچنین ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته بوده که برای سنجش میزان آگاهی مدیران پیش‌دبستانی از اهداف آموزشی تدوین شده است. این پرسش‌نامه دارای ۴۰ سؤال بسته پاسخ با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و مبنای نمره‌گذاری آن از خیلی کم به خیلی زیاد ۵-۱ بوده است.

یافته‌های پژوهش

- میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش‌دبستانی از فعالیت‌های جسمی - حرکتی متوسط به بالاست.
- میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش‌دبستانی از فعالیت‌های شناختی متوسط به بالاست.
- میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش‌دبستانی از فعالیت‌های عاطفی متوسط به بالاست.
- میزان آگاهی مدیران مدارس دوره پیش‌دبستانی از فعالیت‌های اجتماعی متوسط به بالاست.

پیشنهادها

الف) پیشنهادهایی براساس نتایج

پژوهش

- با توجه به تأیید سؤال اول پژوهش پیشنهاد می‌شود که در محیط‌های دانشگاهی و تربیت معلم،

دروس مخصوص و مربوط به پرورش مهارت‌های فکری، یادگیری مهارت‌های فکری جدید، چگونه یادگرفتن و بهبود مهارت‌های ارتباطی در اولویت قرار گیرد. همچنین، آموزش مهارت‌های تفکر به عنوان اولویت اصلی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی در مراکز دانشگاهی و تعلیم و تربیت (به خصوص در مراکز آموزش‌های ضمن خدمت معلمان) برای مربیان و مدیران رشته‌های تربیت مربی کودکان پیش‌دبستانی و مهدکودکی در نظر گرفته شود.

- براساس یافته‌های به دست آمده در سؤال دوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود که از سوی مسئولان بلند پایه و عالی آموزش و پرورش امکان ادامه تحصیل مدیران و مربیان دوره‌های پیش‌دبستانی فراهم آید. بدین صورت که معلمان و مدیران مربیان این دسته از مدارس نیز مانند سایر معلمان در هر سطح تحصیلی، مدارج بالاتر علمی را طی کنند و همگام با طی کردن دوره‌های تحصیلی بالاتر از آگاهی و شناخت بیشتری نسبت به اهداف آموزشی مدارس پیش‌دبستانی برخوردار شوند تا اهداف آموزشی تعریف شده و مصوب در سطوح کلان، قابلیت شاخص‌سازی و عملیاتی شدن در سطوح خرد را داشته باشد.

- باتوجه به تأیید سؤال سوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود کلاس‌های ضمن خدمت ویژه برای آشنایی مدیران با اهداف آموزشی این دوره‌ها در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه زمینه عاطفی، برگزار شوند.

- براساس یافته‌های به دست آمده در سؤال چهارم پژوهش، پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران و متصدیان اصلی آموزش و پرورش در برخی از دستورالعمل‌های اجرایی و سازمانی قدیمی در زمینه دانش‌آموزان دوره‌های پیش‌دبستانی و مهدکودکی - که از بعضی شرایط زمان فعلی مغفول مانده است - بازنگری کنند. پیشنهاد دیگر در این زمینه برگزاری همایش‌ها و سمینارهای مرتبط با اهداف آموزشی مرتبط در دوره‌های پیش‌دبستانی برای آشنایی بیشتر مدیران و مربیان مهدکودک‌ها و دوره‌های پیش‌دبستانی در آموزش و پرورش با مدد گرفتن از استادان دانشگاهی باتجربه و مسلط است.

ب) پیشنهادهایی براساس تجارب

پژوهشگر

با توجه به تأثیر رشته و مدرک تحصیلی معلمان، مربیان و مدیران دوره‌های پیش‌دبستانی بر میزان

ارتقای اهداف آموزشی این دوره‌ها، پیشنهاد می‌شود مؤلفه‌های مرتبط با عوامل فوق شاخص‌سازی شوند و در تمامی مدرسه‌ها برای رسیدن به استانداردهای عوامل ذکر شده کوششی دوچندان به عمل آید.

پی‌نوشت‌ها

1. Critical period
2. Pettit and Betes
3. peterson
4. Hilgard

منابع

۱. عباسی، عبدالله؛ طراحی الگوی برنامه درسی بهینه برای دوره کودکان، نقد و بررسی وضعیت این دوره در مقایسه با آن الگو، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۲. عسکریان، ن؛ تأثیر آموزش و پرورش پیش‌دبستانی بر عملکرد تحصیلی، رشد اجتماعی و اختلالات رفتاری دانش‌آموزان ابتدایی شهر یاسوج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۳۷۹.
۳. کول. ونیتا. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، مترجم: فرخنده مفیدی، سمت، تهران، ۱۳۸۹.
۴. مفیدی، فرخنده. آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ۱۳۸۹.





بلبل و مور

ماجده عاشور پویان

خانم پروین اعتصامی شاعر بلندآوازه ایران، اشعار بسیار زیادی درباره مفاهیم تربیتی و اجتماعی سروده است که مضمون یکی از آن‌ها که برای کودکان پیش دبستانی ملموس تر و عینی تر بود، در قالب شعر کودکانه آورده شده است.

بلبل بیچاره ما
نه لونه داشت و نه غذا
گرسنه بود و بی پناه
خسته شد و بی سرپناه
سراغ مورچه رفت اون
در زد و گفت: «بده دون
گرسنه و خسته ام
بلبل پر بسته ام»
مورچه زیر و زرنک
جواب دادش بی درنگ:
«غذای من قد منه
اگه به تو غذا بدم
به بچه هام من چی بدم؟
نه دون چیدی نه لونه
دیگه نیار بهونه
بشین تا برگرده بهار
گل بشینه به لاله زار»

تموم میشه خیلی زود
میاد سرما زود زود
اگر الان کار نکنی
فکر دون و آب نکنی
فصل خزون از راه میاد
سرما و سوز باد میاد
فصل زمستون که رسید
گرسنگی باید کشید
بی سرپناه و خونه
نه آشیون نه لونه»
بلبل به مورچه خندید
نصیحتاشونشنید
نه دونه چید نه کار کرد
رفت و همهش بازی کرد
بهار رفت و برگا زد
پاییز اومد هوا سرد
نه گل موند و نه باغچه ای
نه برگ سبز تازه ای
زمستون شد برف اومد
سرمای سرسخت اومد

بلبل شاد چهچهه زد
بال زد و قهقهه زد
فصل گل و بهار بود
بلبله فکر یار بود
بال و پرش رو آب زد
رفت و به گل یه سر زد
پیشش نشست و خندید
دورش پرید و چرخید
از رو زمین دونه چید
یهو یه مورچه رو دید
ریز و سیاه و تمیز
بار می کشید اون عزیز
برای فصل سرما
غذای برد از هر جا
بلبل شاد و خندون
از کار اون شد هیرون
صداش زد و گفت به اون:
«تو این فصل بهارون
این همه غرق کاری
دون می بری میاری
بیا با هم بازی کنیم
شعر بخونیم شادی کنیم
الان که وقت کار نیست
وقت غصه و بار نیست
بین گل و سبزه رو
دسته های مرزه رو»
مورچه زیر و زرنک
ایستاد مثل یه پلنگ
جواب دادش: «ای بلبل
فصل بهار و سنبل



مادرم، چرا...؟

مجید نیسی

معاون پرورشی دبیرستان امام سجاده (ع)، منطقه شاور خورستان

اشاره

رفتارهای پدر و مادر از عوامل اصلی تشکیل شخصیت کودک به شمار می آید. هر کدام از سوء رفتارهای سهوی یا عمدی والدین در قبال فرزند، آسیب های گوناگون روانی، جسمانی، اجتماعی و... را به کودکان تحمیل می نماید. اغلب پدران و مادران سهل انگارانه از عواقب سوء رفتارهای خود بر کودکان غافل اند. از طرف دیگر، اکثر کودکان نیز به دلایل گوناگون از ابراز شکایت و واکنش نسبت به چنین رفتارهایی عاجزند و تنها پاسخ آنان، فرو رفتن در دنیای خیالات خود است. فشارهای ناشی از این سوء رفتارها، مسبب عقده های روانی حل نشده خواهد بود. برای پی بردن به پیامدهای رفتارهای نامناسب پدر و مادر، بر آن شدیم تا از دریچه نگاه کودکان و به زبان آنان، به شکل داستانی به این گونه رفتارها بپردازیم تا بتوانیم بسامد و اثرات آن ها را به طور ملموس تر بررسی نماییم. به این امید که ضرورت تغییر و تجدید نظر در رفتارهای نامناسب را نسبت به فرزندان، بیشتر احساس کنیم. و اینک داستان این شماره ...

طاهر با صدای مادرش از خواب بیدار شد: طاهر! این چیه؟ بلند شو! ببین چکار کردی!

بازم... یه بار دیگه... از دست تو خسته شدم...

طاهر با شرمندگی گفت:

ببخشید مادر! دیگه توی رختخوابم ادرار نمی کنم!

طاهر مدت ها بود که این کار را تکرار می کرد. هر روز صبح مادرش او را از چیزهای زیادی محروم می کرد. مثلاً به او می گفت: از بازی کامپیوتری محرومی! طاهر بازی کامپیوتری را خیلی دوست داشت. مادرش حتی او را از پول توجیبی و خیلی چیزهای دیگر نیز محروم می کرد اما فایده ای نداشت.

طاهر افسرده شده بود؛ چون بیشتر وقت ها از بازی و بیرون رفتن از منزل و نوشیدن آبمیوه هنگام شب و خواب در کنار نزدیکانش محروم بود.

یک بار پسر عمویش احمد، که هم سن و سالش هم بود، به او گفت: طاهر! چرا نمیای خونه ما بمونی؟

طاهر گفت: ب...بله، بله... باشه، حتماً...

ولی ناگهان به یاد مشکلش افتاد و مجبور به دروغ گفتن شد: نه، نه... من، نمی تونم... باید برم کلاس ورزشی...

احمد به او گفت: باشه! اما روز جمعه که تعطیله، می تونی بیای دیگه!

طاهر: نه، نه، من هر روز میرم کلاس!

بدین ترتیب طاهر روز به روز افسرده تر می شد. آنچه که بر غم و اندوه طاهر افزود، روزی بود که او همراه مادرش به دیدار خاله رفت. هنگامی که او مشغول بازی با بچه ها بود، ناخواسته صدای مادرش را می شنید که به خاله اش می گفت: «خواهر جون! دیگه از دست طاهر خسته شده ام، اون هر روز رختخوابش رو خیس می کنه.» مادر متوجه نبود که طاهر صدایش را می شنود! هنگامی که به خانه برگشتند، طاهر به اتاقش رفت و در تنهایی بسیار گریه کرد. به خودش می گفت: «مادرم به من میگه، پسر من از دیگران رو هیچ وقت فاش نکن! در حالی که خودش راز منو فاش می کنه!»

در روزی دیگر که مادر طاهر خاله را برای ناهار به منزلشان دعوت کرده بود، پس از ناهار خاله از مادر طاهر تشکر کرد و به او گفت: «تو ماهرترین آشپز هستی!»

طاهر پرید وسط و گفت: کی؟ مادرم؟

خاله جواب داد: «بله عزیزم! مادر جونت!»

طاهر گفت: «ولی همین دیروز، پدرم و مادر، به خاطر غذا دعواشون شد! چون پدرم از غذا خوشش نیومده بود!»

مادر سخت از این رفتار فرزند، ناراحت و عصبی شد و وقتی که خاله رفت، با صدای بلند به طاهر گفت: «چرا اسرار خونه رو فاش کردی؟ مگه من نگفته بودم که اسرارمون باید همیشه بین خودمون باشه و اونا رو به کسی نگیم؟»

طاهر جواب داد: «بله؛ ولی شما قبلاً اسرار منو فاش کردی! وقتی به خاله گفتم که توی رختخوابم ادرار می کنم.»

مادر جواب داد: «خوب! که چی؟ شما کودکان اسرار مهمی ندارید...! تو هنوز کوچک هستی و اسراری نداری! به هر حال، اگه یه بار دیگه اسرار خانواده رو فاش کردی خودت می دونی!»

طاهر جواب داد: «مگه شما نگفتم من هنوز کوچیکم. پس وقتی در رختخوابم ادرار می کنم، منو از چیزی محروم نکن...» بعد هم حق هق کنان و در حالی که به شدت غمگین بود، به سوی اتاقش رفت...



زبان آموزی کودکان پیش دبستانی

(با تأکید بر زبان دوم و مناطق دوزبانه)

نویسنده: فریده عصاره، مونا بافته

ناشر: انتشارات مدرسه (۳۲۴-۸۸۸۰۰-۰۲۱)

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

کتاب «زبان آموزی کودکان پیش دبستانی» به منظور تقویت و توسعه زبان فارسی برای کودکان فارسی زبان و هم برای کودکان مناطق دوزبانه تهیه شده و بیشتر بر راه ها و روش های زبان آموزی متمرکز است. مطالب این کتاب برای مربیان پیش دبستان، دانشجویان رشته علوم تربیتی به ویژه گرایش های پیش دبستان و دبستان، کارشناسان و والدین کودکان قابل استفاده می باشد.

این کتاب شامل پنج بخش و شانزده فصل است. **بخش اول**، که چهار فصل را دربرمی گیرد، به ارائه کلیاتی درباره زبان پرداخته است. در این بخش ویژگی های زبان و توانش زبانی، تعریف زبان اول و دوم، خارجه، رسمی و همچنین مهارت های زبان و گونه گفتاری و نوشتاری و لزوم توجه بیشتر به مهارت های شفاهی زبان برای کودکان پیش دبستانی ارائه می شود.

بخش دوم، برنامه درسی زبان آموزی کودکان پیش دبستانی را معرفی می کند و شامل دو فصل است: فصل اول به تبیین و تشریح هدف نهم برنامه پیش دبستان می پردازد که شامل اهداف مربوط به گوش دادن، سخن گفتن و روش های آمادگی برای خواندن و نوشتن است. در فصل دوم برنامه درسی زبان آموزی کودکان پیش دبستان در مناطق دوزبانه معرفی می شود.

بخش سوم مشتمل بر سه فصل درباره طراحی و تولید یک فعالیت زبان آموزی است. در این

فصول علاوه بر بحث درباره نحوه طراحی و تدوین یک فعالیت زبان آموزی، نمونه هایی از فعالیت ها مشتمل بر قصه، کاردستی، نمایش خلاق و تصویرخوانی ارائه شده است که می تواند راهنمای عمل مربیان و کارشناسان دست اندرکار پیش دبستانی باشد.

بخش چهارم شامل سه فصل عوامل مؤثر در زبان آموزی، سن زبان آموزان و سبک های زبان آموزی است.

بخش پنجم در چهار فصل به معرفی مجموعه ای از روش ها و راهکارهای اصلی در آموزش زبان می پردازد که دو قسمت آن شامل روش ها و راهکارهای مبتنی بر درک زبان و روش های مبتنی بر رویکرد ارتباطی است و پس از آن به روش های آموزش عناصر زبانی از قبیل واژه، ساختار و کاربرد زبانی پرداخته می شود. این کتاب با بحث درباره نقش والدین در آموزش زبان کودکان پایان می یابد.

مونا بافته

